

میزان



انجمن علمی فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه
سال اول/ شماره دوم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

در این شماره می‌خوانید



- زندگی‌نامه سیدمحمد فاطمی قمی
- آشنایی با آزمون وکالت
- تأملی در احکام قضایی

- آیا می‌دانیدهای حقوقی
- معرفی تازه‌های نشر
- احکام و آثار اشاعه

و مطالب خواندنی دیگر ...

بلبل



نشریه علمی میزان
دوفصلنامه انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه
سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه
مدیرمسئول: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد صادقی
سرمدیر و مدیر اجرایی: زهرا مؤمنی
هیئت تحریریه:

- زهرا مؤمنی
- فاطمه رستمی
- فاطمه معتضدکیانی
- فاطمه راجی

صفحه‌آرایی: نشر
ویراستاری: ع. صهبا

اساتید گرامی و دانشجویان عزیز می‌توانید انتقادات و پیشنهادهای خود را به رایانامه نشریه به آدرس
mizan.276@yahoo.com ارسال نمایید.

تمامی پیشنهادهای و انتقادات به‌طور مستقیم به‌دست سردبیر می‌رسد و بدیهی است نظرها درجهت
بهبود کیفیت نشریه بررسی و اعمال می‌شود.

میزان

انجمن علمی فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه
سال اول/ شماره دوم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

فهرست

۵	سخن سردبیر
۶	مشاهیر
۸	یار مهربان
۱۰	تازه‌ترین مقالات حقوقی
۱۷	آشنایی با آزمون وکالت (۱)
۲۰	تأملی در احکام قضایی
۲۲	معرفی گرایش‌های ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی
۲۵	پژوهش‌ها و دست‌نوشته‌های علمی دانشجویان
۳۵	کارگاه حقوق
۳۶	آیا می‌دانیدهای حقوقی
۳۸	حقوق شهروندی
۴۱	گزارش نوشتاری و دیداری از فعالیت‌های انجمن



سخن سردبیر

چراغ دل به نور جان برافروخت
ز فیضش خاک آدم گشت گلشن

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
ز فضلش هردو عالم گشت روشن

چه زیبا گفت آیت الله جوادی آملی: «این دو عنصر محوری اداره را خوب بلد است؛ یکی تخصص، یکی تعهد» (دماوند، ۱۳۹۸/۶/۱۸).

برای موفقیت و پیشرفت در هر عرصه‌ای از زندگی، دو عنصر محوری تخصص و تعهد لازم به نظر می‌آید. این دو عنصر با هم و در کنار یکدیگر کارسازی می‌کنند. داشتن تخصص به‌تنهایی کافی نیست؛ چه بسیار متخصصانی که بدون داشتن تعهد، مانع رشد و توسعه جامعه‌اند. چنین اشخاصی نمی‌توانند نیروهای متخصص پرورش دهند. افزون‌براین صرف داشتن تعهد نیز کافی نیست؛ زیرا برای رفع حوائج، تخصص لازم است.

یکی از سرمایه‌های بزرگ هر کشور، افراد متخصص و متعهدند و ای کاش! در هر کاری که هستیم، متخصص و متعهد باشیم. پس از نشر و اطلاع‌رسانی شماره نخست نشریه علمی میزان در بهار و تابستان ۱۳۹۹، با استقبال باشکوهی از سوی دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام روبه‌رو شدیم. افراد بسیاری برای فعالیت در مجله اعلام آمادگی کردند و نظرات کارآمد و مفیدی ارائه شد. این امر سبب شد در تدوین شماره دوم مجله با انگیزه‌ای دوچندان بکوشیم تا به رضایت و خشنودی بیشتر مخاطبان دست یابیم.

در پایان از مساعدت‌های مدیریت فرهنگی و اجتماعی، اساتید محترم حضرات آقایان دکتر محمد صادقی، علیمراد حیدری، وحید نکونام و تمامی عزیزانی که ما را همراهی کرده و مایه دلگرمی شدند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

زهرا مؤمنی / سردبیر



زندگی نامه سید محمد فاطمی قمی (چهره شاخص فقهی و حقوقی)



سید محمد فاطمی قمی از چهره‌های مشهور تاریخ معاصر ایران، از جمله قضات عالی‌قدر، فقیه و از شریعت‌مداران مجتهد است. ایشان از اعضای کمیسیون تهیه و تدوین قانون مدنی و از انشاکنندگان اصلی قانون مدنی ایران و بسیاری از قوانین دیگر از جمله نخستین قانون ثبت اسناد و اصول محاکمات (قانون آیین دادرسی مدنی) نیز می‌باشد؛ از این رو وی را پدر قانون نویسی در ایران می‌نامند.

سید محمد فاطمی فرزند حاج میرزا سید حسین، در سال ۱۲۵۲ شمسی در شهر مقدس قم به دنیا آمد. تحصیلات را نزد پدر و علمای حوزه علمیه قم آغاز کرد. سپس به تهران رفت و نزد کسانی چون میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا هاشم گیلانی و میرزای آشتیانی، در علوم ادبیات فارسی، ادبیات عرب، فقه و اصول اسلامی، حکمت، منطق و ریاضیات تبحر یافت و به درجه اجتهاد رسید.

در آغاز نهضت مشروطیت به سلک مشروطه‌خواهان درآمد و هنگام

مبارزه، رویه اعتدالی اتخاذ کرد و حتی پس از پیروزی انقلاب مشروطه، از اعدام شیخ فضل‌الله نوری که به دست مشروطه‌خواهان تندرو صورت گرفت، اظهار انزجار کرد.

بعد از دوران مشروطه، مشغول تدریس در حوزه علمیه قم شد و به حکم سید حسن پرنیا - وزیر عدلیه وقت - برای خدمت قضایی به عدلیه دعوت شد و پس از گذشت مدتی به ریاست شعبه ۴ دیوان عالی کشور رسید. در سال ۱۳۰۷ در کنار اشخاص مذهبی و قضایی همچون حاج سید نصرالله تقوی، سید محسن صدر، سید مصطفی عدل و عده دیگری از اعضای کمیسیون تهیه و تدوین قانون مدنی، مستقیماً زیر نظر علی‌اکبر داوربند، قانون مدنی کنونی را با زحمت و دقت فراوان به رشته تحریر درآورد. او مدتی بعد به ریاست محکمه بدایت که در آن زمان پنج شعبه حقوقی، دو شعبه محکمه تجارت و دو شعبه محکمه جزا داشت، منسوب شد. پس از آن سمت‌های قضایی چون عضویت محکمه استیناف، ریاست شعبه استیناف، مشاور محکمه تمیز و مستشار دیوان عالی تمیز را برعهده داشت. وی در طول ۳۶ سال خدمت قضایی، ریاست شعبه یک، دو و چهار دیوان عالی کشور را به‌عهده گرفت و عضو شورای ثبت و کمیسیون ترفیع قضایی بود.

در طول خدمت، یکی از قضات شریعت‌مدار و سرشناس عدلیه بود و طی بیست سال نخست خدمت، حتی یک روز مرخصی نگرفت، کم سخن می‌گفت و مرد عمل بود. شیوه نگارش حقوقی وی زبان‌زد خاص و عام بود. نمونه این نوع نگارش را می‌توان در جلد نخست قانون مدنی دید.



ایشان پس از ازدواج، صاحب دو فرزند شد که دخترش انسیه را در کودکی و پسرش ابوالقاسم را در نوجوانی از دست داد و به همین دلیل به یاد فرزندانش بیمارستانی در قم ساخت که تا دهه شصت پابرجا بود، اما در دهه شصت تخریب و به جای آن خیابانی گشوده شد. مردم قم به رغم نابودی بیمارستان، هنوز از چهارراهی که به این بیمارستان ختم می‌شد، باعنوان «چهارراه بیمارستان» یاد می‌کنند.

مرحوم فاطمی شعر نیز می‌سرود و تخلص وی «حیرت» بود:

ای دل جهان به کام تو شد شد، نشد نشد
جام جهان‌نمای جم و تاج خسروی ملک
این اسب تیزگام سبک‌خیز روزگار
با خلق کن معاشرت، اما به پختگی
«حیرت» بده به شعر تو داد سخنوری
یا ساغری به جام تو شد شد، نشد نشد
کیان به نام تو شد شد، نشد نشد
بی‌رنج و غصه رام تو شد شد، نشد نشد
هرچند کس که خام تو شد شد، نشد نشد
کس طالب کلام تو شد شد، نشد نشد

حقوقدان برجسته ایران دکتر جعفری لنگرودی - نویسنده شروح متعدد بر قانون مدنی و نویسنده فلسفه اعلی در علم حقوق - معتقد است مجسمه فاطمی باید مانند مجسمه فردوسی در تهران برافراشته شود. او می‌گوید:

جا داشت مانند مجسمه فردوسی، مجسمه فاطمی را در پارک شهر مقابل کاخ دادگستری تهران برافرازد که سیاحان که از ایران و تهران دیدن می‌کنند، آن را نیز ببینند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۱۸-۲۲).

فاطمی در کتاب خاطرات خود در نصیحت به قضات می‌گوید:

اگر برای صدمین بار به ماده‌ای از قانون استناد می‌کنید، برای صدمین بار، باز هم آن را بخوانید و به اطمینان می‌گویم که تفسیر دیگری شکل خواهد گرفت (فاطمی قمی، ۱۳۸۹).

سیدمحمد فاطمی در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۲۴ پس از ۳۶ سال خدمت قضایی و علمی به جامعه ایران، سرانجام بر اثر بیماری در سن ۷۳ سالگی بدرود حیات گفت. پیکر ایشان در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شده است.

آثار

وی در تدوین کتاب فرهنگ کاتوزیان که عربی به فارسی است، همکاری علمی مؤثری با شیخ محمدعلی تهرانی کاتوزیان داشت. از دیگر آثار او ترجمه فارسی متن عربی کتاب اسلام و اندیشه‌ها نوشته هانری دوکاستری است که به وسیله زعلول پاشا از متن اصلی به عربی ترجمه شده بود. تحفة الموارث، حل الموارث و فقه فارسی - که به کوشش ناصر دولت آبادی منتشر شده است - نیز از تألیفات ایشان می‌باشد.

روزنوشت‌های او در سال ۱۳۸۹ با عنوان خاطرات سیدمحمد فاطمی قمی به وسیله کتابخانه مجلس شورای اسلامی و با مقدمه رسول جعفریان به چاپ رسید.

منابع

۱. فاطمی قمی، سیدمحمد؛ خاطرات سیدمحمد فاطمی قمی؛ تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. مکی، حسین؛ تاریخ بیست‌ساله ایران؛ ج ۴، تهران: علمی، ۱۳۵۹.
۳. مبارکیان، عباس؛ چهره‌ها در آموزش عالی حقوق؛ تهران: پیدایش، ۱۳۷۷.



حقوق جزای عمومی؛ بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم

پس از احراز وقوع جرم و بررسی مسئولیت کیفری مرتکب جرم، نوبت به واکنش جامعه به پدیده مجرمانه می‌رسد. روشن است واکنش جامعه نمی‌تواند واکنشی ثابت و یکسان باشد، بلکه پاسخ مؤثر علیه جرم باید متناسب با شرایط مسئولیت کیفری از یک سو و شرایط ارتکاب جرم و ویژگی‌های فردی بزه‌کار از سوی دیگر باشد. به لحاظ علمی، روند منطقی بررسی واکنش علیه جرم مستلزم شناخت واکنش‌ها و بررسی عوامل مؤثر بر تعیین و اعمال واکنش است؛ براین اساس مطالب کتاب حقوق جزای عمومی ۳ به سه بخش ذیل تقسیم شده است:

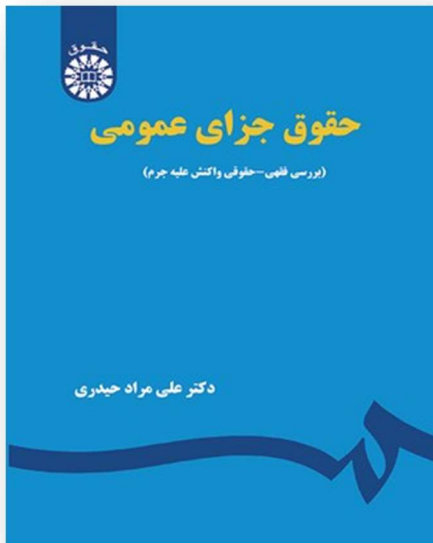
بخش نخست، با عنوان شناخت واکنش علیه جرم شامل سه مبحث فلسفه واکنش علیه جرم (مبانی و اهداف)، اصول حاکم بر واکنش‌ها و نیز اقسام واکنش‌ها از حیث رابطه متقابل مجازات‌ها، موضوع و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی علیه اطفال و نوجوانان بزه‌کار است.

در بخش دوم با عنوان تعیین واکنش علیه جرم، عوامل کاهش‌دهنده و افزایش‌دهنده مجازات طی دو فصل و هریک شامل اسباب خاص و اسباب عام تخفیف و تشدید مجازات ارائه شده است. در بخش سوم، تحت عنوان اجرای واکنش علیه جرم، طی دو فصل عوامل تأخیر در اجرا و عوامل عدم اجرای مجازات بررسی شده است.

در کتاب مذکور نویسنده کوشیده است از یک سو مواد قانونی تعیین‌کننده انواع مجازات، شرایط و نحوه تعیین مجازات، اسباب تشدید و تخفیف، و معافیت و سقوط مجازات‌ها را با رویکرد حقوق جزای سنتی و در پرتو اصول و اندیشه‌های حقوقی، روش‌های تفسیری و رویه قضایی بررسی کند؛ از سوی دیگر چون مرحله اجرای مجازات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انعطاف‌پذیری قوانین کیفری، اختیارات قاضی اجرای احکام و شیوه‌های نوین اجرای واکنش علیه جرم امر بسیار مهمی تلقی می‌شود، نویسنده بحث «واکنش علیه جرم» را در پرتو توجه ویژه به مرحله اجرای مجازات و نقش قاضی اجرای احکام تفسیر و تحلیل نموده، مؤلفه‌های تعیین مجازات را در چهارچوب سیاست کیفری مؤثر و کارآمد بررسی کرده است.

این کتاب هم‌اکنون یکی از منابع معتبر درسی در دانشگاه‌های کشور و از منابع مورد استفاده داوطلبان آزمون‌های قضاوت، کارشناسی ارشد و دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی است.



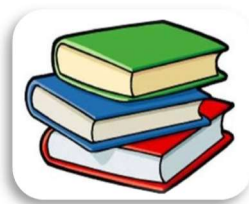


مؤلف: دکتر علیمراد حیدری
ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
(سمت)
زبان: فارسی
سال چاپ: چاپ اول ۱۳۹۴، چاپ دوم ۱۳۹۶
تیراژ: ۶۰۰۰
تعداد صفحات: ۴۵۶ صفحه

بدین وسیله از اساتید محترم و دانشجویان گرامی که کتاب یا اثر تألیفی چاپ شده دارند، دعوت می‌شود جهت معرفی آثار خود در نشریه علمی میزان، به نشانی رایانامه نشریه پیام دهند تا هماهنگی‌های لازم با عزیزان به عمل آید.

رایانامه نشریه: mizan.276@yahoo.com

کتاب در شاخه‌های گوناگون علم حقوق، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر علوم مرتبط با رشته فقه و حقوق اسلامی قابلیت معرفی در نشریه میزان را دارند.



تازه‌ترین مقالات حقوق



وحید نکونام

قصاص؛ عفو یا مقابله به مثل

چکیده

قصاص به‌عنوان یکی از مجازات‌های اسلامی از فلسفه‌ای چندبُعدی برخوردار است؛ زیرا از یک سو به‌جای اینکه به‌عنوان یک حکم تکلیفی، قطعی و لازم‌الاجرا تلقی شود، از مصادیق حق بوده که اختیار آن حسب مورد به ولی دم یا مجنی‌علیه واگذار شده است؛ بنابراین ویژگی‌های حق از جمله قابلیت اسقاط و نقل و انتقال را دارد. البته از مجموعه ادله قرآنی و روایی استنباط می‌شود که عفو و گذشت اولی است. از سوی دیگر جامعه این حق را دارد در صورت گذشت شاکی به‌سبب اختلال در نظم عمومی مرتکب را مجازات کند.

کلیدواژه: قصاص، مقابله به مثل، عفو، حق، حکم.

مقدمه

سیستم کیفری اسلام برای پاسداری از ارزش‌ها، تهذیب اخلاقی مجرم و ایجاد جامعه‌ای سالم، سیاست پیشگیری از جرم را درپیش گرفته است. اسلام علاوه بر تدابیر غیرکیفری، مجازات‌های گوناگونی را وضع کرده است. قصاص یکی از این مجازات‌هاست که از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته و ویژگی برجسته آن همانندی جرم و مجازات می‌باشد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶ این مجازات را تعریف کرده است. دلیل کارآمدی قصاص آن است که از فلسفه‌ای چندبُعدی برخوردار می‌باشد؛ یعنی در عین اینکه از نظر اجرای عدالت و تناسب جرم و مجازات با دیدگاه‌های مبتنی بر سزادهی منطبق است، خالی از منطوق فایده‌گرایی نیست و بحث ارباب، ناتوان‌سازی و کنترل انتقام‌جویی را نیز مطمح نظر قرار می‌دهد. مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به دو موضوع مهم است؛ نخست باید بررسی کرد که مجازات قصاص حق است یا حکم؟ اهمیت پاسخ به این پرسش آنجاست که اگر قصاص را حق بدانیم، به‌تبع ویژگی‌های نقل، انتقال و اسقاط‌پذیری حق را دارد؛ یعنی به‌جای آنکه حاکمیت الزام به اجرای آن را داشته باشد، اختیار آن حسب مورد به ولی دم یا مجنی‌علیه واگذار شده است. پس از روشن‌شدن موضوع مذکور، باید این نکته مورد مذاقه قرار گیرد که اجرای قصاص در اولویت است یا عفو و گذشت از آن؟



قصاص؛ حق یا حکم؟

در بحث حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازیم که قصاص حق است یا حکم؛ بدین معنا که آیا این امر در دست مجنی‌علیه یا اولیای دم اوست؟ در این صورت حق ایجاد شده قابل نقل و انتقال و اسقاط می‌باشد یا آنکه حکم بوده و اختیار آن به حاکم واگذار شده است؟

بر اساس ادله - اعم از ادله‌ای که به‌طور مستقیم به قصاص اشاره کرده یا به عموم قاعده مقابله به مثل پرداخته است - قصاص حق است؛ بنابراین ویژگی‌های حق را دارد، وگرنه تأکید آیات و روایات مبنی بر عفو جانی از سوی اولیای دم و مجنی‌علیه معنا ندارد.

در مورد ویژگی‌های حق و وجود آن در قصاص، نکات ذیل مهم است:

نخست، باتوجه به ادله قاعده قصاص، عموم فقها بر قابلیت اسقاط حق قصاص تأکید کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۱/ خمینی، [بی‌تا]، ص ۵۳۳/ خوبی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۱).

براین اساس قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۴۷ بیان می‌دارد: صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به‌طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند.

دوم، بر اساس دیدگاه فقها، قصاص همچنین قابلیت انتقال پذیری دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۳۸۳/ علامه حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۵۵/ خمینی، [بی‌تا]، ص ۵۳۴)؛ به عبارت دیگر اگر صاحب حق قصاص فوت کند، این حق به ورثه انتقال می‌یابد. ماده ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی در این باره بیان می‌دارد: هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می‌رسد، حتی اگر همسر مجنی‌علیه باشد.

سوم، در اینکه حق قصاص قابل نقل است یا خیر، اختلافاتی دیده می‌شود. برخی معتقدند قصاص قابل نقل نیست؛ زیرا این حق برای تشفی خاطر اولیای دم جعل شده است (شکاری، ۱۳۶۹، ص ۲۳). فقهای نیز بدون ذکر دلیل چنین دیدگاهی دارند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۱۶۶). در مقابل برخی معتقدند فلسفه قصاص فقط تشفی خاطر زیان‌دیده یا اولیای دم نیست؛ زیرا اولاً، در برخی موارد که ولی دم وجود ندارد، باز هم حق قصاص ایجاد می‌شود؛ ثانیاً، قصاص، کیفر معادل جنایت وارده جانی است؛ بنابراین خصوصیتی در تشفی خاطر اولیای دم نیست، جز آنکه اجرای آن حس انتقام جویی را بر قاتل از میان می‌برد؛ ثالثاً، فقها اصولاً دادن وکالت در اجرای قصاص را پذیرفته‌اند (زینلی، ۱۳۷۳، ص ۵۶).

برخی فقها در ذیل بحث مربوط به حق و حکم، قصاص را به‌عنوان حقی که قابل اسقاط، نقل و انتقال است، معرفی کرده‌اند (دزفولی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۳/ خمینی، ۱۴۲۱، ص ۴۷).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، قصاص حق است، نه حکم.

عفو در ادله قصاص

برای شناخت جایگاه عفو در قصاص، لازم است این موضوع در ادله قصاص بررسی و جایگاه آن سنجیده شود.

ادله قرآنی

در قرآن دو دسته آیات به‌طور کلی به موضوع قصاص پرداخته‌اند؛ دسته نخست آیاتی که به‌طور کلی به قاعده مقابله به مثل اشاره کرده است و قصاص نیز مهم‌ترین مصداق این آیات می‌باشد. دسته دوم آیاتی که مستقلاً به مسئله قصاص اشاره کرده است؛ برای مثال آیه ۱۷۹ سوره بقره به فلسفه قصاص می‌پردازد. صاحب مجمع‌البیان به نقل از مجاهد و قتاده می‌گوید:



منظور از آیه این است که زندگی شما در ایجاد قصاص است؛ زیرا هرکس قصد کشتن دیگری را کند، همین قدر که متذکر قصاص شود، از قصد خود منصرف می‌گردد و همین امر موجب تأمین زندگی افراد اجتماع می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۴۸۱).

همچنین امام سجاده و امام حسن عسگری علیه السلام نیز با اشاره به این آیه فرموده‌اند: قصاص سبب استمرار حیات می‌شود، هم برای کسی که اراده قتل کرده و هم برای کسی که قصد کشتن او را نموده بود و هم برای غیر آنها از مردم (بحرانی، ۱۴۱۶، ص ۳۷۹/تفسیر منسوب به امام حسن عسگری، ۱۴۲۱، ص ۴۷۰). با وجود این در آیات مختلف دسته نخست و دوم تأکید فراوانی بر عفو شده است که در ذیل بدان اشاره خواهیم کرد.

۱. آیه ۳۲ سوره مائده

خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده تأکید می‌کند:

هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد بر روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۵۳).

بر اساس آیه مذکور، انسان‌ها از جهت حقیقت وجودی مانند یکدیگرند و به همین دلیل کشتن یک انسان به معنای کشتن نوع بشر است و زنده کردن او نیز چنین معنایی دارد، اما در اینکه مصداق آن چیست، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی معتقدند وجه غالب این آیه نجات انسان‌ها از گمراهی است و این امر همانند دمیدن روح انسانیت می‌باشد. همچنین خارج کردن انسان از هدایت مانند قتل است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ص ۲۷۲/طیب، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰). برخی روایات نیز به این امر اشاره کرده‌اند (برقی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۲/حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۷۸). با وجود این بسیاری از مفسران معنای آیه را عام دانسته‌اند و یکی از مواردی را که مصداق زنده کردن انسان معرفی کرده‌اند، عفو از قصاص است (طوسی، [بی تا]، ص ۵۰۳/حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ص ۴۱۸).

با این بیان ملاحظه می‌شود که عفو از قصاص چه جایگاه والایی دارد و مانند زنده کردن تمامی انسان‌هاست.

۲. آیه ۴۵ سوره مائده

این آیه به طور کلی بر جواز قصاص در نفس و مادون آن دلالت دارد، ولی مد نظر ما این بخش از آیه است که خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ». برخی معتقدند ضمیر در «کفارة له» به جانی بازمی‌گردد و گفته‌اند این امر کفاره جانی است که از قصاص نجات یابد (طیب، ۱۳۷۸، ص ۳۸۱).

در مقابل این دیدگاه بسیاری از مفسران بیان داشته‌اند: مقصود کسی است که قصاص را صدقه کند؛ یعنی از آن چشم پوشد و عفو کند که این امر کفاره گناهان او خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹/طوسی، [بی تا]، ص ۵۳۸/حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ص ۷۰۳).

گفتنی است این عفو در جنایات مادون نفس، مختص به مجنی علیه و در جنایات بر نفس، مختص به اولیای دم است.

۳. آیه ۴۰ سوره شوری

آیه ۴۰ سوره شوری به عنوان قاعده‌ای کلی بر جواز اعتداء دلالت دارد و البته آیات پیش و پس از آن نیز به نوعی این برداشت را تقویت می‌کند.

بر اساس این آیه کیفر بدی، بدی است همانند آن و هرکس عفو و اصلاح کند، اجر و پاداش او با خداست و خداوند



ظالمان را دوست ندارد. قرآن بلافاصله پس از بیان قاعده مقابله به مثل، وعده زیبایی به کسانی می دهد که به جای مقابله، عفو می کنند و آن اجری است که خداوند متقبل می گردد.

در تأیید این امر روایتی از رسول اکرم ﷺ نقل می شود که ایشان می فرماید:

چون روز قیامت شود، منادی ندا کند هر که او را بر خداوند اجری هست، برخیزد و اجر خود را از او بگیرد. پس جماعتی برخیزند و ملائک به ایشان گویند شما را به خدا چه جزا هست؟ گویند: ما جماعتی هستیم که عفو نموده ایم از کسانی که ظلم کردند. پس به ایشان گویند وارد بهشت شوید، بدون حساب اعمال (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۵).

براین اساس آیه شریفه به طور صریح به قاعده مقابله به مثل اشاره دارد و ضمن تجویز مقابله به مثل، عفو را بهتر از آن معرفی می کند. البته افراط در عفو نیز پسندیده نیست؛ بنابراین در روایتی از امام سجادؑ منقول است:

حق آن کس که به تو بدی کند، این است که از او درگذری، ولی اگر بدانی که عفو تو زیانبار است، انتقام بگیر که خداوند فرموده است: هر کس پس از ستم به او انتقام گرفت، راه [نکوهش] بر ایشان نیست (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۷۲).

۴. آیه ۱۲۶ سوره نحل

بر اساس آیه شریفه اگر کفار و مشرکان به شما مسلمانان اذیت و آسیبی برسانند، شما در مقام تلافی زیاده روی نکنید و به همان اندازه اکتفا نمایید و اگر صبر کنید، بر شما بهتر است.

آیه محل بحث دقیقاً محتوای عبارت «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» را دارد که با تعبیر دیگری بیان شده است. این آیه به موارد شأن نزول آن منحصر نمی شود، بلکه قاعده ای کلی بوده و بر مقابله به مثل به گسترده ترین مفهوم آن دلالت دارد؛ یعنی این عقاب در ابتدا حرام است و از نظر شرعی ممنوع می باشد، ولی همین کار حرام، اگر به صورت مقابله به مثل انجام شود، بی اشکال خواهد بود؛ بر همین اساس در تفسیر مجمع البیان از قول مجاهد و دیگران نقل می کند که این آیه شامل هر نوع ستمی همچون غصب و امثال آن می شود؛ زیرا هر کس باید همانند کاری که کرده است، مجازات شود.

این آیه به طور کلی بر جواز مقابله به مثل دلالت می کند و در واقع از این رو با آیه ۱۹۴ سوره بقره اشتراک دارد. البته از نظر لفظ به نحو بهتری از مماثلت و مشابهت بهره جسته است.

گفتنی است نباید از امر مذکور در افعال این آیه وجوب را دریافت کرد و فقط بر جواز دلالت دارد و «ان» شرطیه نیز گویای آن است که اختیار عقاب به شخص واگذار شده؛ لذا عقاب کردن حق است، نه تکلیف. در نتیجه بر اساس این آیات، عفو ارجح از قصاص است و سبب آمرزش گناهان می شود.

ادله روایی

در روایات معصومانؑ عفو و گذشت به صورت چشم گیری مورد عنایت قرار گرفته، در معنای وسیعی به کار رفته است. در طرح این بحث نیز به دو دسته روایات اشاره می کنیم؛ دسته نخست، روایاتی که به طور کلی به مسئله عفو اشاره کرده اند. دسته دوم، روایاتی که به طور خاص به عفو از قصاص تأکید دارند.

اهمیت عفو به نحوی است که در برخی کتب روایی شیعه، بابی با عنوان «بابُ الْعَفْوِ» وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۷). در برخی کتب روایی نیز بابی با عنوان «بابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلْوَلِيِّ الْعَفْوُ عَنِ الْقِصَاصِ أَوْ الصُّلْحُ عَلَى الدِّيَةِ أَوْ غَيْرِهَا» دیده



می‌شود (نوری، ۱۴۰۸، ص ۲۵۰).

در ذیل به برخی روایات مرتبط با مباحث پیش گفته اشاره می‌کنیم:

۱. از امام حسن عسگری علیه السلام نقل شده است:

مردی همراه با فردی که گمان داشت او قاتل پدرش است، نزد امام سجاد علیه السلام رسید و اعتراض نمود و خواستار قصاص شد. آن حضرت از ولی دم درخواست عفو کردند تا خداوند ثوابش را عظیم دارد. ولی دم راضی نشد. پس امام به ولی دم که خواهان قصاص بودند، فرمودند: اگر از این مرد فضیلتی یادت می‌آید، به خاطر همان او را عفو کن و از این گناهش درگذر (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۹).

۲. عبادة بن صامت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که حضرت فرمود:

کسی که قسمتی از جسد خود را صدقه کند - یعنی از قصاص آن درگذرد - خداوند به همان اندازه از گناهانش درمی‌گذرد (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹).

۳. در اصول کافی از سکونی نقل شده است که امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید:

گذشت پیشه کنید؛ زیرا عفو و گذشت جز عزت بر بنده نمی‌افزاید؛ پس یکدیگر را مورد عفو قرار دهید تا خداوند شما را سرفراز کند (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۷).

۴. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس جرایم مردم را عفو کند، به مجموعه فضایل دست یافته است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۹).

۵. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سرعت در عفو از اخلاق بزرگواران است» (همان، ص ۸۴).

این روایات فقط بخشی از روایات فراوانی است که بر عفو و گذشت تأکید دارد و برای جلوگیری از اطاله کلام، از تفصیل بیشتر خودداری می‌کنیم.

نتیجه

در مقاله حاضر به تعاریف حق و حکم، وجوه ممیزه آن و دیدگاه‌های فقها در این باره اشاره شد. همچنین مفهوم قصاص و ادله آن در کتاب و سنت بررسی شد و بیان گردید: اولاً، قصاص از مصادیق حق است، نه حکم؛ بنابراین ویژگی‌های حق از جمله قابلیت اسقاط و انتقال را دارد. البته در مورد قابلیت نقل آن اختلافاتی میان فقها دیده می‌شود، ولی این نشئت آرا اصل حق بودن آن را زیر سؤال نمی‌برد. ثانیاً، از مجموعه ادله قرآنی و روایی استنباط می‌شود که با وجود حق مقابله به مثل برای مجنی علیه و اولیای دم، توصیه‌های فراوانی مبنی بر عفو جانی شده است؛ بنابراین عفو و گذشت، اولی است.



۱. ابن ادریس حلی، محمد؛ السرائر؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین؛ الروح؛ قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن منظور، محمد؛ لسان العرب؛ ج ۳، بیروت: نشر دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. اصفهانی، محمدحسین؛ حاشیه کتاب المکاسب؛ قم: نشر انوارالهدی، ۱۴۱۸ق.
۵. انصاری، محمدرضا؛ دایرةالمعارف تشیع؛ تهران: نشر شهیدسعید محبی، ۱۳۷۶.
۶. بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیرالقرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۷. برقی، احمد؛ المحاسن؛ ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۸. تفسیر الإمام أبی محمد الحسن بن علی العسگری؛ تحقیق سیدعلی آشور؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، [بی تا].
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالكلم؛ ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۰. تهانوی، محمدعلی؛ کشف اصطلاحات الفنون؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۱۱. تهرانی، محمدهادی؛ «رساله حق و حکم»، مجله نامه مفید؛ ش ۴، [بی تا].
۱۲. جعفری لنگرودی، جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق؛ ج ۴، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۸.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ حق و تکلیف در اسلام؛ ج ۳، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۱۴. جوهری، اسماعیل؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۱۵. حرّ عاملی، محمد؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتح؛ آیات الأحکام؛ تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ق.
۱۷. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین؛ انوار درخشان؛ تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. حلی (علامه حلی)، حسن؛ إرشاد الأذهان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۹. حمیری، نشوان؛ شمس العلوم و دواء الکلام العرب من الکلوم؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۲۰. خمینی، سیدروح الله؛ تحریر الوسیله؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالقلم، [بی تا].
۲۱. خمینی، سیدروح الله؛ کتاب البیع؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۲۲. خویی، سیدابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم؛ مصباح الفقاهة؛ تقریر محمدعلی توحیدی؛ [بی جا]: [بی تا]، [بی تا].
۲۴. دزفولی، مرتضی؛ کتاب المکاسب (المحشی)؛ ج ۳، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ۱۴۱۰ق.
۲۵. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین؛ مفردات ألفاظ قرآن؛ بیروت: نشر دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۷. زبیدی، مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: نشر دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۸. زینعلی، حسین؛ بررسی رضایت مجنی علیه در قتل عمدی (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشگاه تهران، [بی تا].
۲۹. شکاری، روشنعلی؛ ارث حق (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشگاه تهران، [بی تا].
۳۰. صدر، سیدمحمدباقر؛ دروس فی علم الأصول؛ ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ق.



۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طبرسی، احمد؛ الإحتجاج؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۴. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. طوسی، محمد؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۳۶. طیب، سیدعبدالحسین؛ أطيّب البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۳۷. عاملی (شهید اول)، محمد؛ القواعد والفوائد؛ قم: کتابفروشی مفید، [بی تا].
۳۸. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)؛ مسالک الأفهام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. عاملی، یاسین عیسی؛ إصطلاحات الفقہیة فی الرسائل العملیة؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۴۰. عبدالباقی، محمد فواد؛ مجمع المفهرس لألفاظ القرآن الکریم؛ قم: انتشارات حرّ، ۱۳۷۸.
۴۱. غروی اصفهانی، محمدحسین؛ حاشیة المکاسب؛ قم: دارالخزائر، ۱۴۰۸ق.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۳. فیض کاشانی، ملا محسن؛ الأصفی فی تفسیر القرآن؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۴۴. کلینی، محمد؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۵. گرجی، ابوالقاسم؛ مقالات حقوقی؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۴۶. گنابادی، سلطان محمد؛ تفسیر بیان السعادة؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۴۷. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۲.
۴۸. مغنیه، محمدجواد؛ فقه الإمام صادقؑ؛ ج ۲، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ أنوار الفقاهة (کتاب البیع)؛ قم: نشر مدرسه امام امیرالمؤمنینؑ، ۱۴۱۳ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۱. موحّد، محمدعلی؛ در هوای حق و عدالت؛ تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۱.
۵۲. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام؛ ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۵۳. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل البيتؑ، ۱۴۰۸ق.
۵۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ بحوث فی الفقه الزراعی؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق.

Abstract

Retribution as one of Islamic punishment has multi-aspect philosophy because of instead of being an order, its right examples that belong to plaintiff thus it has charterers like waiver ability, transferring and sweet. of course in our Quranic evidence forgiveness is better.

On the other hand ,if the claimant forgiveness, society has the right to punish the criminal for disturbing public order.

Keyword: Retribution, retaliate, forgiveness, right, duty.





آشنایی با آزمون وکالت (۱)

در شماره پیشین مجله با مراحل، منابع و ضرایب دروس و نیز شرایط لازم برای آزمون قضاوت آشنا شدیم. در شماره حاضر با آزمون وکالت آشنایی خواهیم یافت.

متقاضیان فعالیت در حوزه وکالت باید در آزمونی به نام آزمون وکالت پذیرفته شوند و پروانه وکالت اخذ کنند. آزمون وکالت در حال حاضر در ایران توسط دو نهاد برگزار می‌شود که تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد. در شماره پیش رو با آزمون وکالت که از سوی کانون وکلای دادگستری برگزار می‌شود، آشنا می‌شویم و در شماره آتی مجله، در مورد آزمون وکالت قوه قضائیه اطلاعاتی در خدمت خوانندگان قرار خواهد گرفت.

کانون وکلای دادگستری

کانون وکلای دادگستری یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های مردم‌نهاد ایران است. نخستین بار در سال ۱۳۰۰ مجمع وکلای رسمی تشکیل و در سال ۱۳۳۱ به‌عنوان نهادی مستقل شناخته شد. همچنین در سال ۱۳۳۳ لایحه استقلال کانون وکلا تصویب شد.

در ایران ۲۵ کانون مستقل وکلا وجود دارد که کانون وکلای مرکزی در تهران واقع شده، شامل استان‌های تهران، سمنان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان می‌شود. سایر کانون‌ها در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، آذربایجان غربی، قزوین، بوشهر، کردستان، مازندران، خراسان، اصفهان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، گیلان، خوزستان، کرمانشاه، همدان، قم، گلستان، اراک، زنجان، لرستان، کرمان، البرز، چهارمحال بختیاری، یزد و ایلام قرار دارند. این کانون‌ها اتحادیه‌ای باعنوان «اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران» دارند که در اصطلاح باعنوان «اسکودا» شناخته می‌شود. هزاران وکیل و کارآموز وکالت زیر نظر این کانون‌ها فعالیت می‌کنند.

مراحل اخذ پروانه وکالت دادگستری

۱. قبولی در آزمون تستی

این آزمون، کتبی، یک مرحله‌ای و به صورت تستی برگزار می‌شود و منابع و ضرایب دروس آن به شرح ذیل است:

- حقوق مدنی (ضریب ۳)
- آیین دادرسی مدنی (ضریب ۳)
- حقوق جزای عمومی و اختصاصی (ضریب ۲)
- آیین دادرسی کیفری (ضریب ۲)
- حقوق تجارت (ضریب ۲)
- اصول فقه (ضریب ۱)



شرایط شرکت در آزمون تستی و اخذ پروانه وکالت

شرایط عمومی

- اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام؛
- اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه و قانون اساسی؛
- نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری؛
- نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضالّه و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرام‌نامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است؛
- عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت؛
- عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران؛
- عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی؛
- کانون‌های وکلا مکلف‌اند به منظور احراز شرایط مذکور، از مراجع ذیصلاح مربوطه استعلام کنند و مراجع مزبور مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

شرایط اختصاصی

- تابعیت جمهوری اسلامی ایران؛
- دارابودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق - از دانشکده‌های حقوق داخل یا خارج کشور که مورد تأیید وزارت علوم تحقیقات و فناوری باشد - یا دانشنامه لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی با تأیید مرجع صالح؛
- شرایط سنی. پروانه وکالت دادگستری در حوزه قضایی استان تهران فقط به کسانی داده می‌شود که هنگام ثبت‌نام، سن آنها از چهل سال تمام بیشتر نباشد و برای دیگر حوزه‌های قضایی پروانه وکالت به کسانی داده می‌شود که هنگام ثبت‌نام سن آنها از پنجاه سال تمام بیشتر نباشد.

۲. انجام موفقیت‌آمیز دوره کارآموزی

مدت کارآموزی وکالت اصولاً هجده ماه می‌باشد و کارآموز موظف است دوره کارآموزی را بدون وقفه طی کند.

تکالیف کارآموزی

تکالیف کارآموز به شرح ذیل است:

- الف) شرکت در دوره آموزشی - کاربردی به مدت دست‌کم ۶۴ ساعت؛
- ب) شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌های علمی که توسط مرکز یا هیئت مدیره استان برگزار می‌گردد، به مدت دست‌کم ۳۰ ساعت؛
- پ) ارائه کار تحقیقی در قالب سمینار یا اثر پژوهشی در موضوعات حقوقی؛
- ت) شرکت در جلسات دادگاه‌های حقوقی و کیفری طی مدت ۱۸ ماه، هر ماه ۴ روز (جمعاً ۷۲ روز)؛
- ث) تهیه گزارش از پرونده‌های موضوع بند ت به تعداد ۲۰ فقره؛
- ج) انجام امور وکالتی تحت نظر وکیل سرپرست در دوره کارآموزی؛
- چ) سایر تکالیف به‌صلاحدید کمیسیون، کمیته کارآموزی و کمیسیون استانی.



کارآموز باید گزارش عملکرد خود را که مشتمل بر حضور در جلسات دادگاه، سخنرانی و کارگاه آموزشی و دفتر است، در پایان هر سه ماه به وکیل سرپرست ارائه دهد. وکیل سرپرست نیز باید پس از دیدن گزارش مذکور، حداکثر ظرف یک هفته نظر کتبی خود را به کمیسیون اعلام کند.

۳. قبولی در مرحله اختبار

آزمون اختبار شامل بخش‌های کتبی و شفاهی بوده، استفاده از قانون در هر دو بخش آزمون، آزاد است. دروس اختبار به شرح ذیل است:

الف) حقوق مدنی، حقوق خانواده و امور حسبی؛

ب) آیین دادرسی مدنی؛

پ) حقوق جزای عمومی و اختصاصی؛

ت) آیین دادرسی کیفری؛

ث) حقوق ثبت؛

ج) حقوق تجارت؛

چ) مقررات، الزامات و اخلاق حرفه‌ای وکالت.

نمره نهایی هر درس، میانگین نمره کتبی و شفاهی بوده، از ۲۰ محاسبه می‌شود و ضریب دروس در این مرحله برابر است. شرکت‌کنندگان در اختبار در صورت احراز هر یک از موارد ذیل، قبول تلقی شده، اجازه حضور در تحلیف را خواهند داشت:

الف) کسب حداقل میانگین ۱۲ در مجموع دروس اختبار و حداقل نمره ۱۰ در هر یک از دروس؛

ب) کسب حداقل میانگین ۱۳ در مجموع دروس اختبار و حداقل نمره ۱۰ در ۶ درس و حداقل نمره ۷ در یکی از دروس.

۴. تحلیف

پس از طی مراحل پیش‌گفته، متقاضی سوگند یاد کرده، سوگندنامه و صورت‌جلسه تحلیف و تعهد به انجام امور معاضدتی به تشخیص مرکز یا مقامات قضایی را امضا می‌کند. پس از انجام تحلیف، به وی پروانه وکالت پایه یک اعطا می‌شود.



تأمل در احکام قضایی

نتیجه تلاش دادرسان و تصمیمات قضایی در صدور رأی تجلی می‌یابد. هدف آرای صادره از محاکم، احقاق حق و عدالت است. تفسیر و تحلیل آرای قضایی به وسیله سایر قضات و حقوقدانان سبب آشنایی با شیوه تفکر قضایی و نیز غنای علم حقوق می‌گردد. در این قسمت از نشریه سعی بر آن است با ارائه آرای چشم‌گیر و البته دقیق، تأملی در احکام حقوقی و کیفری داشته باشیم. نخستین حکمی که قرار است بدان پرداخته شود، رأی دکتر حامد رحمانیان، دادرس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی رودهن درباره کشف مشروبات الکلی در یک خودرو سواری است.

حکم برائت از اتهام حمل مشروبات الکلی

شرح ماجرا ...

ماجرا از این قرار بود که مأموران گشت انتظامی به یک خودرو سواری مشکوک شده و اتومبیل مذکور را متوقف می‌کنند. پس از رؤیت مدارک راننده، با کسب اجازه از وی خودرو را تفتیش می‌کنند و حدود سه لیتر مشروب الکلی در خودرو مزبور کشف می‌شود.

حکم صادره از دادگاه و تحلیل آن

ممکن است در نگاه نخست، این‌گونه به نظر برسد که مطابق ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی، هرکس مشروبات الکلی را بسازد، بخرد، بفروشد، در معرض فروش قرار دهد، حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد، به شش ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود، اما قاضی پرونده مبتنی بر این ماده قانونی حکم صادر نکرده است، بلکه با فهم کامل از مواد قانونی و با استناد به استدلال‌های دقیق، حکم برائت از اتهام حمل مشروبات الکلی صادر کرده است!!!

استدلال‌های قاضی بدین قرار می‌باشد:

۱. مستند به ماده ۱۳۷ آ.د.ک.: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قراین و امارات، ظنّ قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظنّ قوی در پرونده، انجام می‌شود».
۲. از لحاظ قانونی تفتیش خودرو باید با اجازه مالک صورت گیرد، ولی از آنجاکه احتمال داده می‌شود رضایت مالک در اینجا از روی ترس، ناآگاهی و... حاصل شده، در حکم عدم رضایت است. این رویه غیرقانونی به قدری متداول است که حتی ضابطان و مقامات قضایی نیز از آن بی‌اطلاع‌اند؛ بنابراین قطعاً شهروندان عادی نیز نسبت به آن آگاهی ندارند و ممکن



است در برابر خواسته مأموران از روی عدم آگاهی، ترس از متمرّد شناخته‌شدن یا موارد این‌چنینی تن به این خواسته غیرقانونی دهند.

۳. به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

۴. مطابق اصل ۹ قانون اساسی: «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند»؛ بنابراین نمی‌توان استقلال و آزادی اشخاص را به بهانه کشف جرم و حفظ حقوق جامعه محدود کرد.

۵. بر اساس ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قراین مسلّم قضیه نباشد و بر اساس مقررات و ضوابط قانونی تهیه و تنظیم شود»؛ بنابراین گزارش مأموران مبنی بر کشف مشروبات الکلی که تنها دلیل استنادی جرم نیز می‌باشد، از اعتبار ساقط است.

سرانجام دادرسی با ردّ گزارش مأموران و با استناد به موارد پیش‌گفته و حاکمیت اصل برائت، رأی بر برائت متهم صادر کرد. از ویژگی‌های مهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تلاش برای تنظیم حدود اختیارات ضابطان قضایی است. همان‌گونه که در این دادنامه نیز اشاره شده است، برای تحقق اهداف قانونگذار در گام نخست باید ضابطان و مسئولان مربوطه به آگاهی و باور کافی برسند و از سوی دیگر شهروندان نیز از حقوق قانونی خود حتی در جایگاه متهم یا مرتکب جرم به‌خوبی آگاه باشند.

دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۴۵۰۰۰۶۴، مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۸

شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ بخش رودهن

دادگستری کل استان تهران

برونده کلاسه: شعبه دادگاه کیفری دو بخش رودهن تصمیم نهایی شماره

شاکری:

اقای اینجانب: فرزندان به نشانی تهران خ میرداماد بین منوس و

اتهام: حمل مشروبات الکلی

گزارش‌کننده دادگاه با توجه به جمع اوراق و محتویات پرونده و با اجراء کلیات تحقیقات مقدماتی، بختم تحقیقات را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور قرار نهایی می‌گردد:

"رأی دادگاه"

در خصوص اتهام آقای اینجانب فرزندان بر حتم سه لیتر مشروبات الکلی دست ساز موضوع گزارش مرجع انتظامی که در آن آسند است؛ در حین گشت زنی به خودروی سواری سمند سون مشککی رنگ مشکوک شده با رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی خودرو را متوقف نموده و بعد از رویت مدارک خودرو با کسب اجازه از مالک خودرو در قسمت جلوی سندیلی جلو سمت شاگرد طرف پلاستیکی حاوی حدود سه لیتر مشروب الکلی دست ساز رویت شد. صرفنظر از اینکه مأموران گشت انتظامی صلاحیت اعمال مقررات راهنمایی و رانندگی و متوقف کردن خودروها به این بهانه را ندارند با عنایت به اینکه اولاً به تصریح ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تقشیش و بازرسی اشیاء و از جمله خودروی شهروندان حتی در مواردی که حسب قرآن و آیات و احکام و آله وقوع جرم در آن وجود دارد باید با دستور مقام قضایی و با نوبت جهت تلقین فوری انجام شود و در نتیجه ضابطان نمی‌توانند به صورت خودسرانه و به بهانه مشکوک شدن، مبادرت به بازرسی خودرو نمایند ثانیاً هرچند تقشیش خودرو پس از درخواست ضابطان با رضایت مالک صورت گرفته است اما از آنجا که این رضایت با از روی ترس یا ناآگاهی یا اضطراب مالک حاصل شده است در حکم عدم رضایت است. چرا که در جامعه ای که این رویه غیر قانونی آشفتر مرسوم و متداول است که حتی خود ضابطان و مقامات قضایی هم از غیر قانونی بودن آن بی اطلاع اند قطعاً شهروندان عادی نیز از این امر بی اطلاع بوده و در برابر درخواست مأموران جهت بازرسی خودرو یا از روی ناآگاهی یا ترس از متمرّد محسوب شدن یا اضطراب غیر قانونی آشفتر مرسوم و متداول است. تن به این خواسته غیر قانونی ضابطان می‌دهند ثالثاً به موجب اصل بیست و دوم قانون اساسی تعرض به اموال و حریم خصوصی اشخاص فقط در حدود مجوزهای قانونی امکان‌پذیر است و بدیهی است اقدام ضابطان در این پرونده بدون مجوز قانونی بوده است. رابعاً این توجیه و استدلال که اگر ضابطان بدین شکل عمل نکنند هیچ جرمی کشف نمی‌شود و حقوق جامعه به خوبی صیانت نمی‌گردد، اشکاراً مردود است چرا که به تصریح اصل نهم قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد حتی به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند چه برسد به نام و به بهانه کشف جرم. خامساً به موجب ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس شواهد و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد و لذا در این پرونده گزارش ضابطان که تنها دلیل وقوع جرم است فاقد اعتبار و کان لم یکن تلقی می‌گردد. بنابه مراتب فوق دادگاه به لحاظ فقدان دلیل مشروع برای اثبات وقوع جرم و به استناد اصل برائت متعسک در اصل می‌وهتمن قانون اساسی رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌نماید برای صادره حضوری است و ظرف بیست و دو روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان تهران می‌باشد. ای.

دکتر حامد زحمتکیان
دادرسی شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی رودهن

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.
نشانی: استان تهران - رودهن - خیابان پاسداران - کوچه وصال





معرفی گرایش‌های ارشد

رشته فقه و حقوق اسلامی

در شماره نخست مجله با رشته فقه و حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی آشنا شدیم. در شماره فعلی و آتی می‌کوشیم این بخش مجله را به معرفی مفصل و جداگانه تمامی گرایش‌های ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی اختصاص دهیم تا مخاطبان عزیز با این گرایش‌ها تا اندازه زیادی آشنا شوند.

بر اساس دفترچه ثبت‌نام کارشناسی ارشد ۱۳۹۹، رشته فقه و حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در گرایش‌های ذیل دانشجو می‌پذیرد:

- فقه و حقوق خصوصی
- فقه و حقوق جزا
- فقه و حقوق خانواده
- فقه سیاسی
- مذاهب فقهی
- فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی
- فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی
- فقه مقارن و حقوق خصوصی اسلامی
- فقه و مبانی حقوق اسلامی

معرفی گرایش فقه و حقوق خصوصی

حقوق خصوصی به روابط میان مردم با یکدیگر می‌پردازد و آن را تنظیم می‌کند. حقوق خصوصی اعم از حقوق تجارت و حقوق مدنی است؛ بنابراین گرایش مذکور مباحث بسیاری را همچون قواعد مربوط به اموال، مالکیت، قراردادها، روابط خانوادگی، ارث، وصیت، ولادت، اقامتگاه اشخاص، مسئولیت ناشی از خطای افراد و ده‌ها مورد دیگر را دربرمی‌گیرد. نظر به ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای خصوصاً در رشته‌هایی همچون فقه و حقوق، به جهت لزوم استنباط مبانی حقوقی از متون غنی فقه اسلامی و نیز اهمیت مطالعه تخصصی در زمینه حقوق خصوصی، گرایش فقه و حقوق خصوصی برای تربیت محققان برجسته و متخصص در حوزه حقوق خصوصی اسلامی طراحی شده است. در این رشته دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی علاوه بر بهره‌گیری از متون فقهی و اصولی برجسته مانند مکاسب، رسائل و کفایة الأصول در مقطع کارشناسی ارشد و دروس خارج فقه و اصول در مقطع دکتری، دروس حقوق خصوصی را در سطح بالایی مطالعه می‌کنند.

طول دوره

طول دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دو سال و نیم است که بر اساس آیین‌نامه طی پنج نیمسال و هر



نیمسال شانزده هفته ارائه می‌گردد. در این مدت دانشجوی باید پایان‌نامه خود را ارائه دهد و از آن دفاع کند. هر دانشجو موظف است ۲۳ واحد درسی با احتساب واحدهای پایان‌نامه طبق برنامه تنظیمی بگذراند.

واحدهای درسی

تعداد کل واحدهای درسی گرایش فقه و حقوق خصوصی، ۲۳ واحد به شرح ذیل است:

- دروس اصلی: ۳۲ واحد

- پایان‌نامه: ۴ واحد

گفتنی است باتوجه به ماهیت این دوره آموزشی و به منظور هم‌سطح کردن پذیرفته‌شدگان و نیز باتوجه به رویکرد حوزوی و دانشگاهی، تعداد ۲۳ واحد جبرانی در نظر گرفته شده است.

عناوین دروس در گرایش فقه و حقوق خصوصی

- اصول فقه (رسائل و کفایه)

- فقه (مکاسب)

- حقوق مدنی

- داوری بین‌المللی

- حقوق بین‌الملل خصوصی

- حقوق تجارت

- قواعد فقه مدنی

وضعیت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر

فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد گرایش مذکور علاوه بر ادامه تحصیل در این گرایش، در تمامی گرایش‌های مرتبط با رشته فقه و همچنین رشته حقوق خصوصی می‌توانند شرکت کنند. علاقه‌مندان به ادامه تحصیل در حوزه علمیه نیز با دریافت مدرک تحصیلی این رشته، در مقطع بالاتر حوزه (سطح ۳ و ۴) می‌توانند ادامه تحصیل دهند.

اهداف گرایش فقه و حقوق خصوصی

- تربیت اندیشمندانی که بتوانند عرضه‌کننده تفکر ناب اسلامی در حوزه فقه و حقوق خصوصی باشند.
- انجام پژوهش‌های بنیادی کاربردی درباره فقه و حقوق خصوصی.
- تربیت محققانی که باتوجه به مطالعات تطبیقی حوزوی و دانشگاهی، بتوانند ارائه‌کننده دیدگاه‌های جدید در مباحث فقه و حقوق خصوصی باشند.
- تربیت قضات و کارشناسان ارشد مورد نیاز دستگاه قضایی کشور.

شرایط ورود به گرایش فقه و حقوق خصوصی

۱. دارا بودن دانش‌نامه کارشناسی از مؤسسات آموزشی که مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باشد.
۲. مجاز شدن به انتخاب رشته در آزمون سراسری و اعلام اسامی از سوی سازمان سنجش.
۳. پذیرفته شدن در آزمون و مصاحبه علمی و عمومی دانشگاه.



مواد امتحان ورودی

- فقه (شرح لمعه)
- اصول فقه (اصول مظفر)
- حقوق مدنی (تعهدات، مسئولیت مدنی، عقود معین)
- عربی (شرح ابن عقیل)





مسائل فقهی و حقوقی تغییر جنسیت

فاطمه معتضدکیانی

مقدمه

تغییر جنسیت و مسائل مربوط به آن، یکی از مسائل تقریباً جدیدی است که جهان امروز با آن روبه‌رو شده است و نه تنها از دید پزشکی، بلکه به لحاظ حقوقی نیز دارای اهمیت و اثر است. هر کشور باتوجه به مسائل فرهنگی، سیاسی و مذهبی خود احکام و قوانین متفاوتی در این باره دارد. ایران نیز از این مسئله مستثنا نیست. باتوجه به نقش مهمی که جنسیت در زندگی شخصی و اجتماعی بشر دارد و باتوجه به حقوقی که هریک از دو جنس مذکر و مؤنث دارند، لازم است موضوع تغییر جنسیت از لحاظ فقهی و حقوقی بررسی شود. تغییر جنسیت، آثار فقهی و حقوقی بسیاری به همراه دارد؛ از جمله در ابقای نکاح، نفقه، ارث، مهریه و... در مقاله پیش رو می‌کوشیم علاوه بر مسئله جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، از نگاه فقه و حقوق ایران مختصراً به آثار تغییر جنسیت بپردازیم.

معناشناسی

«تغییر جنسیت» بدین معناست که هویت و جنسیت مرد یا زن کاملاً تغییر کند. عمل تغییر جنسیت به دو دسته از افراد مربوط می‌شود؛ نخستین دسته، افراد همافرودیت‌اند. همافرودیسیم (ابهام جنسی) به حالتی گفته می‌شود که دستگاه تناسلی فرد نامشخص باشد؛ مثلاً در یک پسر، ظاهر دخترانه وجود داشته باشد یا برعکس، یا فرد هر دو اندام جنسی مؤنث و مذکر را همزمان داشته باشد. دسته دوم، افراد تراجنسیتی‌اند که ترنسکشوال یا به اختصار تی.اس. یا ترنس نامیده می‌شوند. این افراد هویت جنسی متفاوت از روح و روان خود دارند؛ برای مثال فرد از لحاظ فیزیکی مرد است، در حالی که شخصیت و رفتاری زنانه دارد، یا برعکس.

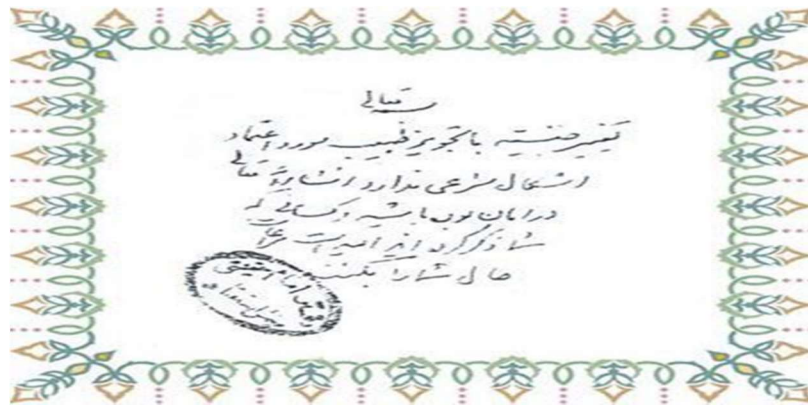
در منابع فقهی واژه خنثا به کار رفته است و به شخصی گفته می‌شود که به سبب داشتن توأمان نشانه‌های مردان و زنان، نه

از جنس مردان و نه از جنس زنان است. در لغت‌نامه دهخدا عبارات خنثی اثنی، خنثی ذکر و خنثی مشکل آورده شده است که تعریف هریک در ذیل ارائه می‌گردد:

- خنثی اثنی: هرگاه در خنثی، حالت زنی بر مردی غالب باشد، چنین خنثایی را خنثی اثنی گویند.
- خنثی ذکر: هرگاه در خنثی، حالت مردی بر زنی غلبه داشته باشد، چنین کسی را خنثی ذکر گویند.
- خنثی مشکل: اگر در خنثی یعنی در مزاج او حالت زنی یا مردی بر یکدیگر غلبه نداشته باشد، یعنی نتوان غلبه یکی بر دیگری را تشخیص داد، چنین فردی را خنثی مشکل می‌گویند.

جواز یا حرمت تغییر جنسیت در فقه

در مورد جواز تغییر جنسیت افراد خنثی میان ادیان اختلاف‌نظری دیده نمی‌شود، ولی درباره تغییر جنسیت تراجنسی‌ها اختلاف نظر هست. امروزه بیشتر فقهای شیعه با عمل تغییر جنسیت تراجنسی‌ها موافق‌اند و آن را مشروع می‌دانند؛ از جمله امام خمینی، آیت‌الله سیستانی، فاضل لنکرانی و...، ولی اهل سنت عمل تغییر جنسیت تراجنسی‌ها را حرام اعلام کرده‌اند و آن را تغییر در خلقت خدا می‌دانند.



جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت از دیدگاه حقوق ایران

اگرچه قوانین ایران در مورد جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، سکوت کرده‌اند، ولی قوانینی هست که بر جواز تغییر جنسیت در حقوق ایران دلالت می‌کند؛ از جمله می‌توان به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که بیان می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود»؛ بنابراین با توجه به سکوت قانونگذار مبنی بر جرم بودن این فعل می‌توان به جواز تغییر جنسیت قائل شد. از سویی مطابق نظر آقای گلدوزیان هر جا تردید شود جرم واقع شده است یا خیر، اصل بر عدم وقوع جرم بوده، قانون باید به سود متهم تفسیر شود. البته سکوت قانونگذار فقط درباره جواز یا عدم جواز آن است، اما در موارد دیگری بدان پرداخته است؛ برای مثال بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده، رسیدگی به امور و دعاوی تغییر جنسیت را در شمار مواردی آورده است که دادگاه خانواده صلاحیت رسیدگی دارد. عمل تغییر جنسیت با تأییدیه پزشک قانونی و صدور مجوز از دادگاه قابل انجام است. اکنون باید ببینیم شخصی که بدون شرایط دست به تغییر جنسیت می‌زند، مشمول همین حکم می‌شود یا خیر. مطابق دیدگاه فقه کسی که بدون شرایط لازم تغییر جنسیت دهد، مرتکب فعل حرامی شده است، ولی از نظر قانون هر فعل حرامی جرم نیست و مجازات ندارد؛ نظریه مشورتی شماره ۷۲/۴/۷/۲۵۳۰ که بیان می‌کند: «با سکوت قانون، قاضی مکلف به صدور حکم برائت است، هر چند عمل مذکور در شرع حرام است» دلیلی بر این ادعاست.



تأثیر تغییر جنسیت بر ابقای نکاح

در مورد این مسئله باید دو فرض ازدواج ترنس و خنثی را از یکدیگر جدا کرد. در فرض ازدواج ترنس باید گفت یکی از شرایط صحت نکاح، شرط اختلاف جنس است؛ زیرا ازدواج میان دو جنس موافق، خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه بوده، طبق ماده ۹۷۵ قانون مدنی باطل است؛ براین اساس اگر فردی از زن به مرد یا از مرد به زن تغییر جنسیت دهد، به سبب همجنس شدن با زوج یا زوجه، ازدواج باطل و بلا اثر می‌گردد. البته از جنبه قانونی با احراز همجنس بودن طرفین توسط کارشناس، سند ازدواج ابطال می‌گردد.

در مورد فرض دوم یعنی ازدواج خنثی باید گفت از جنبه فقهی، خنثی به دو دسته تقسیم شده است؛ خنثی مشکل و غیر مشکل. در خنثی غیر مشکل فرد بسته به قراین به یکی از دو جنس زن یا مرد ملحق می‌گردد و اگر دارای چنین قراینی نیست، فرد خنثی مشکل خواهد بود. در مورد ازدواج خنثی مشکل، مطابق نظر مشهور از آنجا که جنسیت وی مشخص نیست، او شرعاً به ازدواج مجاز نیست و نکاح با او باطل و حرام می‌باشد، اما در مورد خنثی غیر مشکل اگر جنسیت غالب او مرد باشد، ازدواج او با زن منعی ندارد و اگر جنسیت غالب او زن باشد، ازدواج او با مرد مشکلی ندارد؛ بنابراین در صورت تغییر جنسیت، مشابه فرض ازدواج ترنس خواهد بود؛ یعنی با تغییر جنسیت او و همجنس شدن با زوج یا زوجه، نکاح باطل می‌گردد.

تأثیر تغییر جنسیت بر ارث، مهریه و نفقه

تغییر جنسیت از موانع ارث نیست و سهم الارث افرادی که تغییر جنسیت می‌دهند تابع جنسیت فعلی آنهاست. در مورد مهریه باید گفت که با وجود اینکه تغییر جنسیت موجب بطلان ازدواج می‌شود، تغییری در ادای مهریه ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین این حق برای زن پابرجاست چه زوج جنسیت خود را عوض کند چه زوجه. اما در مورد نفقه؛ از آن جایی که نفقه همسر منوط به وجود عقد نکاح بین طرفین است و این عقد با تغییر جنسیت از بین می‌رود لذا زن نمی‌تواند نفقه اش را از مرد طلب کند اما نفقه فرزندان همچنان پابرجاست زیرا تغییر جنسیت سبب تغییر رابطه پدر فرزندی نمی‌شود.

آثار تغییر جنسیت بر جرایم و مجازات‌ها

مجازات‌ها در کشور ما به چهار دسته حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شود که به بررسی هریک در مورد بحث تغییر جنسیت خواهیم پرداخت.

تأثیر تغییر جنسیت بر حدود

مطابق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی: «حد به مجازاتی گفته می‌شود که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است». در جرایم موجب حد مانند شرب خمر، قذف و... مجازات مرتکب مطابق جنسیت زمان ارتکاب جرم است، ولی در مورد ارتداد، بحث متفاوت است. باتوجه به اینکه مجازات مرتد در قانون نیامده است و احکامی که در این باره اجرا می‌شود، بر اساس نظر فقهاست، در این باره دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای معتقدند باید بر اساس جنسیت زمان ارتداد عمل شود و عده دیگری جنسیت در زمان صدور حکم را معتبر دانسته‌اند. مطابق نظر دیگری چون در اینجا شبهه وجود دارد، طبق قاعده *انما تدرأ الحدود بالشبهات* باید مجازات ساقط شود. در نهایت باید گفت در مورد بحث ارتداد نمی‌توان جنسیت زمان وقوع جرم را ملاک قرار داد؛ برای مثال اگر مردی مرتد شود، سپس تغییر جنسیت دهد،



اگر مطابق جنسیت زمان ارتداد عمل شود، فرد باید اعدام شود که با تفسیر مضیق به نفع متهم سازگار نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد بهتر است در تغییر جنسیت - هم مرد به زن و هم زن به مرد - تفسیر به نفع متهم صورت گیرد و حد زن اجرا گردد.

تأثیر تغییر جنسیت بر قصاص

در ماده ۳۸۲ ق.م.ا.م. آمده است: «هرگاه زن مسلمانی کشته شود، حق قصاص ثابت است، لکن اگر قاتل مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص نصف دیه کامل را به او بپردازد...»؛ مثلاً فرض کنید زنی به وسیله مردی کشته شود. پیش از صدور حکم، مرد تغییر جنسیت ده. د باتوجه به جایگاه اصول عملیه در موارد شک و اصل استصحاب مبنی بر اعتبار حالت سابق، احکامی که شامل مردان می‌شود، شامل او نیز می‌شود؛ یعنی ولی مقتول نصف دیه مرد را پرداخت می‌کند و قاتل قصاص می‌شود که در اینجا با تفسیر به نفع متهم سازگار است.

تأثیر تغییر جنسیت بر دیات

در بحث دیات باید میان جنسیت مرتکب و جنسیت مجنی علیه تفاوت قائل شد. در مورد نخست، از آنجاکه جنسیت مرتکب موضوع پرداخت دیه نیست، تغییر جنسیت او تغییری در میزان دیه ایجاد نخواهد کرد، ولی جنسیت مجنی علیه موضوع پرداخت دیه است؛ بنابراین باید جنسیت مجنی علیه را در زمان مطالبه دیه ملاک قرار داد. همچنین اگر مجنی علیه فوت شود، وراثت می‌توانند باتوجه به جنسیت زمان مرگ، دیه را مطالبه کنند.

تأثیر تغییر جنسیت بر تعزیرات

در جرایم موجب تعزیر در موادی که جنسیت اطلاق دارد و شامل مرد و زن می‌شود، تغییر جنسیت موجب تغییر یا سقوط مجازات نخواهد شد، ولی در موادی که جنسیت موضوعیت دارد، بحث متفاوت است. در بعضی جرایم همچون عدم پرداخت نفقه که درباره آن بحث شد، گفتیم چون تغییر جنسیت سبب بطلان عقد می‌شود، نفقه همسر ساقط می‌گردد، اما در بعضی دیگر مانند ماده ۶۴۴ ق.م.ا.م. که به طور مشخص کلمه زن ذکر شده است، با وجود مؤثر بودن جنسیت، تغییر جنسیت تغییری در مجازات ایجاد نخواهد کرد؛ به همین دلیل مجازات بر اساس جنسیت زمان وقوع جرم اعمال می‌شود. به طور کلی در باب مجازات افرادی که تغییر جنسیت می‌دهند، می‌توان گفت برای اعمال مجازات، جنسیت زمان ارتکاب جرم را ملاک قرار می‌دهند یا اینکه به گونه‌ای عمل می‌کنند که با تفسیر مضیق به نفع متهم سازگار باشد.

منابع

۱. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و یاسر عبدی؛ «احکام و آثار تغییر جنسیت»، مدرس علوم انسانی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۱-۱.
۲. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و یاسر عبدی؛ «وضعیت فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی)؛ ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۷-۱.
۳. عباس زاده، رقیه، ابوالقاسم اسدی و محمدحسین گنجی؛ «آثار تغییر جنسیت بر جرایم و مجازات‌ها»، فقه و مبانی حقوق اسلامی (مقالات بررسی)؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۹۹-۳۲۰.
۴. کریمی نیا، محمدمهدی؛ «تأثیر تغییر جنسیت بر ابقای نکاح»، فقه پزشکی؛ ش ۵ و ۶، زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰، ص ۱۲۱-۱۴۹.





مریم احمدی خوئی

احکام و آثار مال مشاع از منظر فقه امامیه

مقدمه

اموال یا یک مالک دارند یا چند مالک. به اموالی که چند مالک دارند، در اصطلاح اموال مشاع می‌گویند. اگرچه حق همه مالکان بر مال مشاع، حق مالکیت است، ولی در اختیارات مالکان محدودیت‌هایی هست. در علم فقه و حقوق برای مال مشاع، احکام و آثاری وضع شده است. در مقاله پیش رو می‌کوشیم احکام و آثار مال مشاع از منظر فقه امامیه را مطالعه و بررسی کنیم.

مفهوم اشاعه در علم فقه

«اشاعه» در سه معنا به کار رفته است:

۱. انتشار سهم هریک از مالکان و صاحبان حق در تمام مال یا حق؛
۲. مقابل افراز؛
۳. انتشار خبر.

معنای دوم در علم فقه معمولاً با واژگان شیاع و استفاضه به کار می‌رود و بیشتر کاربرد اشاعه در فقه، معنای نخست آن است که در باب‌های تجارت، رهن، شرکت، مضاربه، مزارعه، اجاره، وقف، هبه، وصیت و قضا به کار رفته است؛ بنابراین به مال یا حقی که چند مالک یا صاحب حق در تمام آن سهم باشند، مال یا حق مشاع گفته می‌شود و به این حالت اشاعه می‌گویند.

مورد اشاعه یا ملک است - خواه متعلق آن، عین باشد مانند زمین، یا منفعت باشد مانند منفعت خانه‌ای که چند نفر با هم آن را اجاره کرده‌اند - یا حق است؛ مانند حق خیار و حق شفعه.

احکام اشاعه

دانستیم که مال مشاع در فقه به چه معناست. در این قسمت احکام مال مشاع در فقه امامیه و حکم معامله کردن مال مشاع را بررسی می‌کنیم.

اشاعه در بیع

- فروختن مشاع معلوم از کالای مشخص: فروختن جزء مشاع معلوم از کالایی مشخص مانند یک سوم خانه یا زمین



جایز است (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۶، ص ۴۱۸-۴۱۹).

- فروش میوه سر درخت به صورت مشاع: در فروش میوه سر درخت، فروشنده می تواند سهمی مشاع از آن را مانند یک سوم استثنا کند (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۴، ص ۸۴).

- خریدن قسمتی معین از حیوان: خریدن قسمتی معین از حیوان زنده به طور مشاع مانند نصف یا یک چهارم جایز است، ولی در جواز این گونه خرید در حیوان ذبح شده اختلاف است (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۴، ص ۱۵۷).

اشاعه در رهن

رهن مال مشاع صحیح است (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۵، ص ۱۲۶). در صورت اختلاف شریک رهن با شخص مرتهن در نگهداری گرو، قاضی آن را می گیرد و خود از جانب آن دو، مال را نگهداری می کند یا شخص عادل را بر این کار می گمارد (نجفی، ۱۲۶۳، ج ۲۵، ص ۲۵۶).

استدلال صحت رهن مال مشاع از دیدگاه فقه امامیه

فقیهان امامیه انشای عقد رهن نسبت به مال مشاع را بدون اجازه شریک یا شریکان جایز شمرده اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۲۴). آنان برای جواز رهن مال مشاع در فقه امامیه، به ادله اختصاصی رهن و ادله عمومی استناد کرده اند. اجماع عالمان امامیه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۲۷ / حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۲۷۴-۲۷۵)، اطلاق و عموم آیه شریفه رهن و اطلاق و عموم روایات رهن ادله اختصاصی آن است و استصحاب، عموم ادله و وجوب وفای به عقد و قاعده تسلط ادله عمومی آتند.

به رغم اینکه فقیهان امامیه با استدلال های مذکور، انشای رهن مال مشاع را بدون اذن شریک جایز دانسته اند، اقباض رهینه مشاع را موقوف به اذن شریک یا شرکا می دانند؛ چراکه قبض در رهن مستلزم تسلیم کل مال مرهونه و تصرف در سهم سایر شرکا نیز هست و تصرف در مال غیر، نیازمند اذن است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۷۷)؛ بنابراین فقیهان امامیه اقباض رهینه مشاع را فقط در صورتی جایز می دانند که شریک یا شرکا بدان اذن داده باشند (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۷).

اجاره، وقف و هبه مال مشاع

اجاره (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۷، ص ۲۱۴)، وقف (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۸، ص ۱۹) و هبه مال مشاع (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۸، ص ۱۷۶) صحیح است. البته در اجاره باید تسلیم عین به مستأجر با اذن شریک باشد و در صورت عدم اجازه او، به حاکم شرع مراجعه می شود (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۷، ص ۲۱۴).

مضاربه، مزارعه و مساقات با مال مشاع

مضاربه با مال مشاع صحیح است، ولی باید جنس و مقدار آن معلوم باشد (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۶، ص ۳۵۸). مزارعه و مساقات نیز در مال مشاع صحیح اند.

شرایط صحت این عقود

مشاع بودن تمامی سود میان عامل و مالک در عقد مضاربه (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۶، ص ۳۶۴-۳۶۵) اعم از اینکه



به طور برابر باشد مانند نصف، یا یکی بیشتر و دیگری کمتر باشد مثلاً دوسوم و یکسوم و نیز مشاع بودن سهم زارع و مالک در تمام محصول در عقد مزارعه (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۷، ص ۸) و مساقات (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۷، ص ۷۱) از شرایط صحت این عقود است.

اشاعه در وصیت

هرگاه موصی برای مثال یکسوم مال خود را به طور مشاع برای کسی وصیت کند، یکسوم اموال وی برای آن کس (موصی له) خواهد بود (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۲۸، ص ۳۱۳).

اشاعه در قسمت

برای تقسیم مال مشترک میان شرکا، اشاعه مالکیت آنان در تمامی آن مال شرط است و بدون آن، موضوع قسمت محقق نمی شود (نجفی، ۱۲۶۲، ج ۴۰، ص ۳۴۲).

منابع

۱. حسینی عاملی، سیدجوادبن محمد؛ *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۹ق.
۲. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ *تذکرة الفقهاء*؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۳. طوسی، محمدبن حسن؛ *الخلافة*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ق.
۴. نجفی، محمدحسن؛ *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۲۶۲ش.





زهرا غلامی

احکام و آثار مال مشاع از منظر حقوق ایران

مقدمه

در حقوق ایران تقسیم‌بندی‌های متعددی برای مال (شیء) ارائه شده است که هر یک از این تقسیمات از جهات گوناگونی به بررسی مال می‌پردازد. یکی از تقسیمات، تقسیم‌بندی مال به مشاع و مفروز است که بر اساس تعداد مالک در نظر گرفته شده، یکی از رایج‌ترین و پیچیده‌ترین تقسیم‌بندی‌های ارائه‌شده از مال است. مال مشاع اصولاً در برابر اصطلاح مال مفروز یا مال طلق به کار می‌رود و به مالی اطلاق می‌شود که بیش از یک مالک دارد. در مقاله حاضر به اختصار مفهوم مال مشاع، حدود اختیارات شرکا و برخی تصرفات حقوقی مالکان در مورد مال مشاع را از منظر حقوق ایران مطالعه و بررسی خواهیم کرد.

مفهوم مشاع

اشاعه در لغت به معنای رواج‌دادن و پراکنده‌کردن است که اصطلاح حقوقی آن نیز از این معنا تبعیت می‌کند؛ بدین صورت که هرگاه دو یا چند حق مالکیت در مال واحد به حالت اجتماع درآید، به نحوی که در آن واحد، تمامی مالکان در همه اجزا و ذرات فرضی آن مال با یکدیگر شریک باشند، حالت اشاعه محقق شده است (جوان‌مرادی، ۱۳۸۹، ص ۴۸). در اشاعه، مالکیت هر جزء مال میان چند شخص مشترک است؛ به عبارت دیگر حق مالکیت هر شریک منتشر در مجموع مال است و تصرف و انتفاع از هیچ بخشی در انحصار او نیست. تمامی شریکان بر مال حق عینی دارند، ولی این حق به تناسب سهمی است که در این مجموعه به هر یک تعلق دارد. سهم هر شریک از نظر مادی و جغرافیایی، تمامی مال و از نظر حقوقی و اعتباری، نسبت معینی از آن است. این تحلیل به نوعی بیانگر ماده ۵۷۱ قانون مدنی است که بیان می‌کند: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکان متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه».

نکته‌ای که در مالکیت جمعی اهمیت فراوان دارد، حفظ چهره فردی و استقلال مالکیت هر شریک است؛ در عین حال که هیچ شریکی حق انحصاری بر تمامی یا بخشی از عین را ندارد و مصداق خارجی حق او معین نیست، حق هر شریک در جهان اعتبار، فردی و مستقل است و فقط به او تعلق دارد. از این مسئله دو نکته منتج می‌شود:

– شریک مال مشاع، در سهم ویژه خود می‌تواند تصرف حقوقی کند.

– سهم هر شریک به تنهایی نیز حق مالکیت است و تمامی اوصاف آن را داراست (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷-۱۳۸).



ارکان اشاعه

- شیء یا مال واحد؛

- شریکان یا مالکان متعدد؛

- اجتماع حقوق یا لزوم تداخل در حق مالکیت یا شیاع (نصرتی، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

اسباب اشاعه

ماده ۵۷۲ق.م. مقرر می‌دارد: «شرکت اختیاری است یا قهری».

شرکت اختیاری یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل می‌شود، یا در نتیجه عمل شرکا از قبیل مزج اختیاری یا قبول مال اختیاری یا قبول مالی مشاع در ازای عمل چند نفر و مانند آن. در این نوع شرکت، اراده طرفین موضوعیت دارد. اموری که سبب شراکت قهری می‌گردند، عبارت‌اند از: «ارث» و «امتزاج». ماده ۵۷۴ق.م. در این باره مقرر می‌دارد: «شرکت قهری، اجتماع حقوق مالکان است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل می‌شود» (همان، ص ۱۶).

اداره مال مشترک

اختلاط موضوع حق مالکیت شریکان، باعث کاهش اختیار مالکان است و هر بار شریک بخواهد در اداره مال خود به اقدامی دست بزند، با مانع توافق با دیگران روبه‌رو می‌شود. قانون مدنی اداره مال مشترک را به توافق شریکان واگذار می‌کند (ماده ۵۷۶ق.م.)، ولی هیچ نظام ویژه‌ای برای آن پیش‌بینی نکرده است که همین امر سبب تخریب مال مشاع و نزاع میان مالکان می‌شود. راه معقول در اداره جمعه، توسل به نیروی اکثریت است (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

تصرف مادی

منظور از تصرف مادی در مال مشاع، انجام اعمالی است که باعث تسلط و استیلا بر مال مشاع یا استفاده از آن می‌شود. تصرفات مادی ممکن است به منظور اجرای یک عمل حقوقی انجام گیرد یا آنکه هیچ‌گونه ارتباطی با تصرفات حقوقی نداشته باشد؛ مانند سکونت در ملک مشاع (علیشاهی و اسکندری، ۱۳۹۸، ص ۴) که تصرفات مذکور بسته به اینکه با رضایت سایر شرکا باشد یا خیر، دو حالت پیش خواهد آورد:

۱. تصرفات بدون اذن شرکای دیگر: هیچ‌یک از شرکا قانوناً نمی‌توانند بدون اذن سایر شرکا در مال مشاع تصرف کنند؛ اعم از اینکه این تصرف مادی به منظور اجرای یک عمل حقوقی باشد یا آنکه تصرف مادی ارتباطی با عمل حقوقی نداشته باشد. عدم تصرف شریک در مال مشاع بدون اذن شریک دیگر، عقیده فقه امامیه است. البته قانون مدنی نیز در این باره با فقهای امامیه موافق و هم‌نظر است.

۲. تصرفات با اذن شرکای دیگر: این‌گونه تصرفات مجازند، ولی باید توجه داشت مطابق ماده ۵۷۸ق.م. هر یک از شرکا می‌توانند هر وقت بخواهند از اذن خود رجوع کنند و از آن پس تصرف شریک، غیرقانونی است، مگر آنکه اذن یا اسقاط حق رجوع از آن در ضمن عقد لازمی درج شده باشد (شهیدی، [بی‌تا]، ص ۱۳۷).

تصرفات حقوقی در مال مشاع

مطابق مفهوم مواد ۳۵۰، ۴۷۵ و ۵۸۳ق.م. تصرفات حقوقی هر یک از شرکا در مال مشاع، بدون اذن سایر شرکا صحیح است. گفتنی است تصرف حقوقی هر یک از شرکا در مال مشاع در صورتی نافذ است که در مقدار سهم خود از مال مشاع



انجام دهند، ولی در صورتی که شریکی بخواهد در سهم شرکای دیگر تصرف کند، چنین تصرفی حکم معامله فضولی را دارد و غیر نافذ است.

در ذیل به بررسی برخی تصرفات حقوقی در مال مشاع می‌پردازیم و دلیل صحت این تصرفات را بیان خواهیم کرد.

وقف

مطابق ماده ۵۸ ق.م. فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد؛ اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول، مشاع باشد یا مفروز. از این ماده فهمیده می‌شود که وقف مال مشاع، بلا اشکال است.

بر پایه ماده ۵۹۷ ق.م. موقوف‌علیه می‌توانند منافع موجود وقف را به تراضی میان خود تقسیم کنند، ولی حق درخواست تقسیم مال موقوفه را ندارند؛ زیرا آنچه در اثر وقف حاصل می‌شود، حق انتفاع از مال موقوفه است، نه مالکیت کامل آن (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۱۶).

در مورد منافع موقوفه باید گفت تقسیم منافع میان موقوف‌علیهم جایز است، ولی تصرف هر یک از موقوف‌علیهم تا پیش از تقسیم منافع، فضولی بوده و ضمان آور است (قربانیان، [بی تا]، ص ۴۸).

اجاره

ماده ۴۷۵ ق.م. مقرر می‌دارد: «اجاره مال مشاع جایز است، ولی تسلیم عین مستأجره موقوف است، به اذن شریک». مطابق این ماده تسلیم عین مشاع باید با اجازه شریک صورت گیرد، در غیر این صورت شریک او می‌تواند خلع ید مستأجر را از دادگاه بخواهد. در صورتی که مستأجر از اشاعه بی اطلاع باشد، حق فسخ اجاره را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۴۶).

بیع

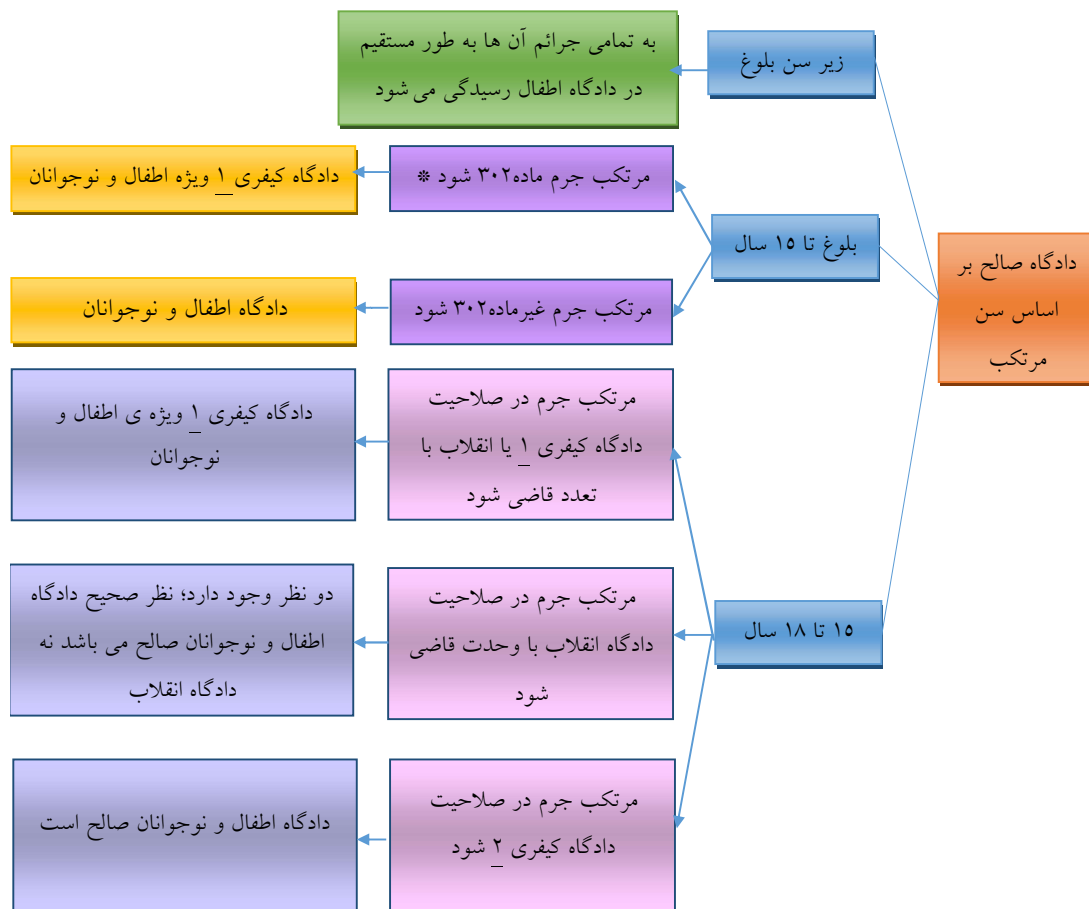
قانون مدنی در ماده ۵۸۳ مقرر می‌دارد: «هر یک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکای دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل کند». مطابق این ماده، بیع مال مشاع جایز و رضایت سایر شرکا در صحت آن بی تأثیر است.

منابع

۱. صفایی، سیدحسین؛ اشخاص و اموال؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
۲. کاتوزیان، ناصر؛ اموال و مالکیت؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
۳. کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم کنونی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
۴. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و فرزانه اسکندری؛ «کیفیت تصرفات در مال مشاع»، فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی؛ ش ۲۷، بهار ۱۳۹۸، ص ۱-۱۶.
۵. نصرتی، سیدرسول؛ «تحلیل حقوقی تصرفات شریک در مال مشاع»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۹-۲۶.
۶. فرساد، سعید؛ «رهن مال مشاع از منظر فقه مذاهب خمس و حقوق ایران»، فصلنامه فقه و حقوق خصوصی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۷-۱۴۹.
۷. جوان‌مرادی، ناهید؛ «انتقال و تقسیم مال مشاع در حقوق ایران»، ویژه‌نامه هفته پژوهش؛ ش ۳۰، پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۷-۶۶.



کارگاه حقوق



* ماده ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری:

به جرایم ذیل در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی می شود:

الف) جرایم موجب مجازات سلب حیات؛

ب) جرایم موجب حبس ابد؛

پ) جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن؛

ت) جرایم موجب مجازات تعزیری درجه ۳ و بالاتر؛

ث) جرایم سیاسی و مطبوعاتی.





آیام دانیدهای حقوق

مطابق شماره نخست مجله، در این قسمت می‌کوشیم تصورات غلطی را که در میان عامه مردم رایج است، مطرح و شکل صحیح آنها را بیاموزیم.



۱. اگر از کسی شکایت کنید و نتوانید آن را اثبات کنید، طرف مقابل اعاده حیثیت می‌کند و شما محکوم می‌شوید. این باور غلط است. دادگاه، محل تظلم خواهی و رسیدگی به شکایات است. حق شما طرح شکایت و وظیفه دادگاه بررسی آن است. عدم اثبات، مسئولیت کیفری برای شما ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه احراز شود شاکی با علم به اینکه طرف مقابل بی‌گناه بوده، از او شکایت کرده است.



۲. حضانت فرزند همیشه با پدر است. این تصور نیز اشتباه است؛ اولاً، تا هفت سالگی اولویت حضانت فرزند با مادر است. پس از هفت سالگی تا سن بلوغ نیز در صورتی که پدر صلاحیت نگهداری از فرزندان را نداشته باشد، حضانت آنها به مادر سپرده خواهد شد؛ زیرا صلاح فرزند در سپردن حضانت در نظر گرفته می‌شود.





۳. اگر چند نفر در یک مال شریک باشند، چنانچه یکی از شرکا بخواهد سهم خود را بفروشد، نخست باید به شریکش پیشنهاد بیع بدهد؛ اگر او نخرید، سپس حق دارد سهمش را به ثالث منتقل کند.

اصلاً این‌گونه نیست. هر یک از شرکا می‌تواند در هر زمانی سهم خود را به هرکس که بخواهد، بفروشد و بیع او نیز کاملاً صحیح است، ولی به‌خاطر اهمیت شخصیت شرکا، قانونگذار برای شریک سابق حقی در نظر گرفته است که آن را حق شفعه می‌گویند. اگر شریک این حق را اعمال

کند، می‌تواند آن سهم را در قبال مبلغی که خریدار خریده است، تملیک کند. در این صورت اگرچه سهم یک شریک به شریک دیگر منتقل می‌شود، ولی این انتقال به‌خاطر بطلان عقد بیع نیست، بلکه در نتیجه اعمال حق شفعه است.





حقوق شهروندی

نگاهی به ماده‌های تابعیت فرزندان متولد از زنان ایرانی

مصوب ۱۳۸۵ و ۱۳۹۸

ضرورت تصویب ماده‌های تابعیت فرزندان متولد از زنان ایرانی

در دهه ۶۰ شمسی بسیاری از شیعیان افغانستان و تعداد قابل توجهی از شیعیان و کردهای عراقی به مقصد ایران مهاجرت کردند که این موضوع باعث ازدواج زنان ساکن در مناطق شرقی و غربی کشور با مردان افغانی و عراقی شد و در نتیجه این ازدواج‌ها، فرزندان بسیاری متولد شدند که فاقد شناسنامه بوده، از یک سری مزایای دولت ایران بی‌بهره بودند. مسئله مذکور نخستین دلیل تصویب ماده‌های اعطای تابعیت به این اطفال بود. دولت ایران قصد داشت با دادن تابعیت ایران به این اطفال آنها را حمایت کند. افزون بر این قانون مدنی ایران در مواد ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ شرایطی را برای صحت نکاح تعیین کرده است. طبق ماده ۱۰۵۹ ق.م. نکاح مسلمة با غیر مسلم جایز نیست و طبق ماده ۱۰۶۰ ق.م. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد، به اجازه مخصوص از سوی دولت موقوف می‌شود، ولی مفاد این دو ماده مشکل تابعیت فرزندان حاصل از چنین ازدواج‌هایی را حل نکرد؛ زیرا به دلایل گوناگونی امکان دریافت اجازه مخصوص از دولت وجود نداشت و به تبع آن، ازدواج‌ها ثبت نمی‌شد؛ برای مثال بسیاری از روستائینان از قوانین سخت درباره ازدواج اطلاعی نداشتند و در نتیجه اقدامی برای ثبت آن نمی‌کردند، یا بسیاری از پدران خارجی به طور غیرقانونی وارد ایران شده و سکونت گزیده بودند و به دلیل ترس از مجبور شدن به بازگشت به کشور خود، به مراجع اداری ایران مراجعه نمی‌کردند.

بنابراین برای حل مشکل تابعیت فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی، در سال ۱۳۸۵ نخستین ماده‌های واحد تابعیت برای چنین اطفالی از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و به دلیل اشکالاتی که داشت، مجدد در سال ۱۳۹۸ ماده‌های واحد جدیدی تصویب شد. در این قسمت هر دو ماده‌های واحد را به اختصار شرح خواهیم داد.

ماده‌های واحد مصوب ۱۳۸۵ به شرح ذیل است:

فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام، تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی، به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور، پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده پیش از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.



تبصره ۱- چنانچه سن مشمولان این ماده در زمان تصویب، بیش از هجده سال تمام باشد، باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

شرایط ماده واحده مصوب ۸۵ آنقدر سخت بود که مشکل عدم تابعیت این فرزندان تا حد زیادی حل نشد؛ مثلاً در ماده ۸۵ گفته شده بود این افراد فقط پس از هجده سالگی و فقط یکسال فرصت دارند درخواست تابعیت دهند. درحقیقت این اطفال تا سن هجده سالگی بدون تابعیت می‌ماندند و از مزایای یک تبعه ایرانی بی‌بهره بودند. ضمن اینکه یکسال نیز فرصت کمی است؛ زیرا ممکن است اصلاً از تصویب این قانون مطلع نشده باشند و پس از اطلاع، زمان کمی برای اقدام باقی می‌ماند. همچنین ممکن است روند درخواست طول بکشد و این یکسال تمام شود و نتوانند تابعیت ایران را بگیرند؛ بنابراین مشکل عدم تابعیت جمعیت عظیمی از مردم - حدود یک میلیون نفر - حل نشد و تعداد زیادی بدون تابعیت باقی ماندند. در نتیجه شروط متعدد و دشوار مقرر در ماده سال ۱۳۸۵ و در جهت تکمیل تابعیت طبق معیار سیستم خون و حمایت از افراد موضوع ماده واحده، در سال ۱۳۹۸ لایحه اصلاحی به مجلس تقدیم شد و سرانجام ماده واحده جدیدی تصویب گردید. در این ماده واحده قانونگذار شرایط اعطای تابعیت را تا اندازه زیادی تسهیل کرد.

ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ بدین شرح است:

فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، پیش از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی‌آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره ۱- در صورتی که پدر یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.

تبصره ۲- افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ با ماده مصوب ۱۳۸۵ شباهت و تفاوت‌هایی دارد. در اینجا وجه افتراق و اشتراک این دو ماده

را بیان می‌کنیم.

برخی تفاوت‌های این دو ماده واحده به شرح ذیل است:

در ماده واحده ۱۳۸۵ برای اخذ تابعیت فرزندان که بیشتر از هجده سال سن دارند، مهلت یکساله در نظر گرفته شده بود، ولی برای حمایت از این اطفال در ماده واحده ۱۳۹۸ این مهلت حذف شده است.

ردّ تابعیت غیرایرانی یکی از شرایط لازم برای اعطای تابعیت به این اطفال بود، ولی در قانون فعلی این شرط حذف شده است. حذف این شرط را می‌توان یکی از ایرادات قانون فعلی محسوب کرد؛ زیرا برخلاف دیدگاه قانونگذار ایران، منجر به تابعیت مضاعف می‌شود.





در قانون مصوب ۱۳۸۵، درخواست تابعیت فقط از جانب خود طفل آن هم پس از رسیدن به سن هجده سالگی تمام امکان‌پذیر بود، ولی در قانون فعلی علاوه بر خود طفل، مادر نیز می‌تواند تا رسیدن طفل به سن هجده سالگی برای او تابعیت ایران را تقاضا کند.

در ماده واحده سال ۱۳۸۵ یکی از شرایط اعطای تابعیت به طفل، تولد طفل در خاک ایران بود، در حالی که در ماده واحده سال ۱۳۹۸ این شرط از شرایط اعطای تابعیت حذف شد. گفتنی است حذف این شرط از جهت ملاحظات امنیتی و مصالح عمومی قابل تأمل است.

در ماده مصوب ۱۳۸۵ گفته شده است ازدواج باید قانونی باشد، ولی ماده مصوب ۱۳۹۸ می‌گوید فرزندان باید حاصل ازدواج شرعی باشند. فرضاً ازدواج پسر کمتر از پانزده ساله با دختر سیزده ساله از لحاظ شرعی درست است، ولی قانوناً درست نیست. طبق ماده مصوب ۱۳۹۸ به فرزندی که حاصل ازدواج مشروع‌اند، اگرچه ثبت قانونی نباشند هم تابعیت داده می‌شود، ولی بر اساس ماده ۱۳۸۵ فقط به فرزندان متولد از ازدواج‌های قانونی تابعیت داده می‌شد که این نوعی تضييع در حقوق فرزندان حاصل از ادواج ثبت‌نشده مشروع بود. ممکن است فردی ازدواج مشروع داشته باشد، ولی ثبت قانونی نکرده باشد یا ازدواجش مخالف شرایط ذکر شده در قانون باشد؛ به همین دلیل در ماده واحده ۱۳۹۸ شرط قانونی بودن و ثبت ازدواج حذف شده است.

نداشتن سوء پیشینه کیفری در قانون سابق برای اعطای تابعیت شرط بود، ولی در قانون فعلی این موضوع نیز از قلمرو شرایط اعطای تابعیت به اطفال خارج شده است.

در ماده مصوب ۱۳۹۸ شرط مندرج در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی تقریباً بلااثر می‌باشد، در حالی که در قانون قبلی شرط مزبور در ترتب آثار حقوقی اعطای تابعیت واجد اثر بود.

در ذیل به برخی شباهت‌های این دو ماده واحده اشاره می‌شود:

در هر دو ماده، فرزند از بدو تولد فاقد تابعیت ایران است و تابعیتی که به دست می‌آورد، تابعیت اکتسابی است، نه تابعیت اصلی.

در هر دو ماده، فرزندان می‌توانند پس از هجده سال تمام شمسی درخواست تابعیت ایرانی کنند که در این صورت در هر دو قانون، فقدان مشکل امنیتی شرط اعطای تابعیت می‌باشد.

در هر دو قانون، صدور پروانه اقامت برای پدر خارجی در ایران پیش‌بینی شده است. البته باید گفت تشریفات که لازم است طی شود تا این پروانه صادر گردد، در دو قانون متفاوت‌اند.

در هر دو ماده، اطفالی که پیش از تصویب قانون متولد شده باشند، می‌توانند با استناد به ماده واحده موجود، تابعیت ایران را تقاضا کنند.

منابع

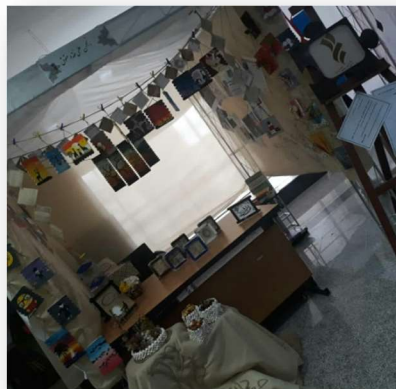
۱. صدر، شادی؛ «مطالبه تابعیت مادری: نگاهی به سیاست‌های رسمی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی»، گفت‌وگو؛ ش ۵۰، دی ۱۳۸۶، ص ۶۱-۸۱.
۲. ماده واحده‌های تابعیت فرزندان متولد از زنان ایرانی مصوب ۱۳۸۵ و ۱۳۹۸.
۳. وحدتی شبیری، سیدحسن و زهره افشار قوچانی؛ «تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی؛ ش ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۷-۱۶۸.

گزارش نوشتاری و دیداری از فعالیت‌های انجمن

در ادامه فعالیت‌های مذکور در شماره نخست مجله، انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام همچنان با انگیزه، فعالیت‌های علمی دیگری نیز انجام داد که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۱. برپایی و افتتاح نمایشگاه علمی

به مناسبت هفته دانشجو، انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی در طبقه اول دانشکده علوم انسانی، نمایشگاه علمی برپا کرد که روز یکشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۷ با حضور رئیس محترم دانشگاه جناب آقای دکتر ابراهیم عبدی‌پور فرد، مدیر گروه رشته فقه و حقوق اسلامی جناب آقای دکتر محمد صادقی، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا آخوندزاده، جمعی از بزرگان و اساتید محترم دانشگاه و همچنین با حضور پُرشور دانشجویان عزیز افتتاح شد.



۲. برگزاری مسابقه علمی

بنا بر پیشنهاد دانشجویان محترم، انجمن علمی فقه و حقوق اسلامی در هفته دانشجو مسابقه‌ای علمی برگزار کرد. برای این مسابقه چند پرسش علمی فقهی و حقوقی استاندارد طراحی شد و دانشجویان در رشته‌های فقه و حقوق



اسلامی و حقوق با یکدیگر به رقابت پرداختند و در نهایت به دانشجویانی که به همه پرسش‌ها پاسخ درست داده بودند، به قید قرعه جوایزی اهدا گردید.

برای شرکت در مسابقه به این دو سؤال پاسخ دهید:

- سیاست چثایی چیست؟
- باتوجه به تناقض مواد ۵۹۰ قانون تجارت و ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، کدام یک از محل‌های مشروح در این دو ماده را باید اقامتگاه شخصی حقوقی دانست؟

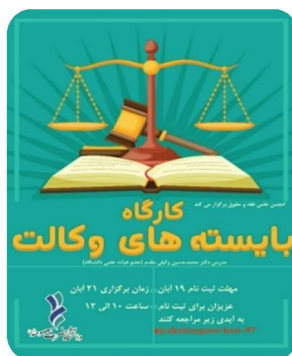
برای پاسخ‌دهی به این سؤالات به آیدی زیر در تلگرام یا اینستاگرام مراجعه کنید:

[@va-khabir](https://t.me/va-khabir)

به شرکت‌کنندگانی که به هر دو سؤال پاسخ درست داده باشند، به قید قرعه جوایزی اهدا خواهد شد. قابل ذکر است فقط دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی و رشته حقوق می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند.

۳. برگزاری سخنرانی‌های علمی و کارگاه‌های تخصصی

- انجمن فقه و حقوق اسلامی در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۴ کارگاه علمی با موضوع «دانشجو، علم و معرفت» با سخنرانی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدعلیرضا حسینی از ساعت ۱۳-۱۴ در سالن همایش‌های دانشکده علوم انسانی برگزار کرد که مورد استقبال دانشجویان و اساتید قرار گرفت.



- یکی از اهداف دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی، ورود به عرصه وکالت است. بدین منظور انجمن فقه و حقوق اسلامی تصمیم گرفت بایسته‌هایی را که در این عرصه لازم به بیان است، به اطلاع دانشجویان عزیز برساند تا با آگاهی بیشتر در این عرصه قدم بگذارند؛ بنابراین در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۱ با همت انجمن، کارگاه علمی با عنوان «بایسته‌های وکالت» به صورت مجازی برگزار شد و نکات مفیدی توسط جناب آقای دکتر محمدحسین وکیلی مقدم (عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام) ارائه گردید.





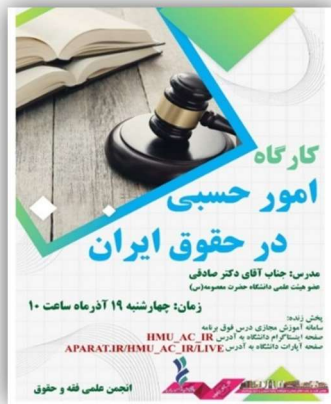
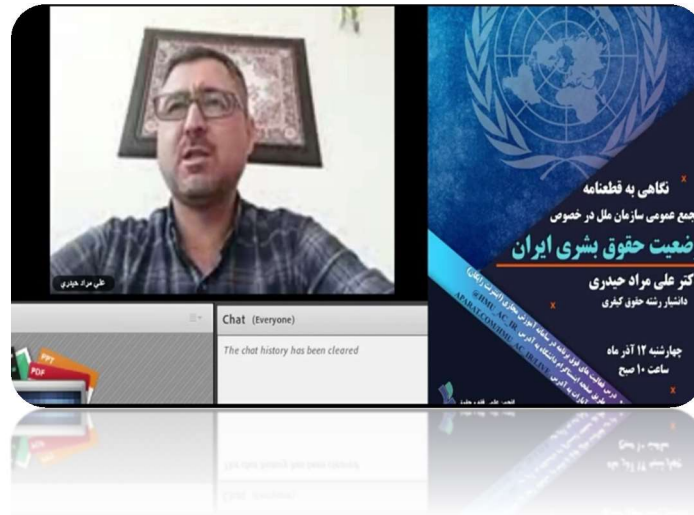
- از جمله مسائل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، درک رابطه میان دو علم فقه و حقوق است. درک این رابطه تأثیر بسیاری در فهم مطالب هر دو علم خواهد داشت. انجمن فقه و حقوق اسلامی در روز چهارشنبه ۱۳۹۹/۸/۲۸ سخنرانی علمی با موضوع «رابطه فقه و حقوق» به صورت مجازی برگزار کرد. سخنران این برنامه جناب آقای دکتر سیدعلیرضا حسینی، اطلاعات سودمندی در اختیار دانشجویان عزیز قرار داد.



- انجمن فقه و حقوق اسلامی در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۹/۵ کارگاه علمی با موضوع «بررسی چک و وضعیت آن در حقوق ایران» با سخنرانی جناب آقای دکتر ابراهیم عبدی پور فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه قم و رئیس دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام) به صورت مجازی برگزار کرد که با استقبال گرم دانشجویان روبه‌رو شد.



- در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۲ کارگاه علمی با موضوع «بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران با نگاهی به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل» با همت انجمن فقه و حقوق اسلامی با سخنرانی جناب آقای دکتر علمیراد حیدری، عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه^{علیها السلام} و دانشیار رشته حقوق کیفری، به صورت مجازی برگزار و با استقبال باشکوه عزیزان همراه شد.

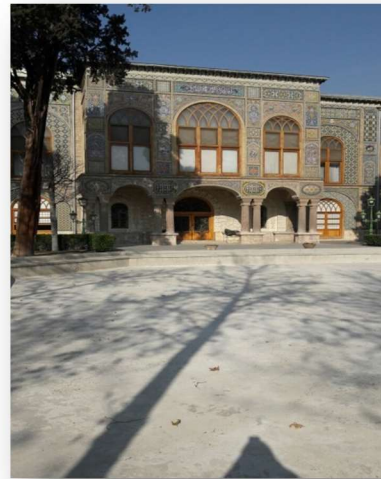
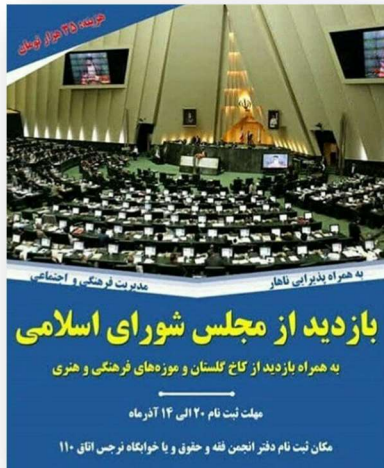


- یکی از مباحث قابل توجه در حقوق مدنی، بحث امور حسبی است. به منظور آگاهی بیشتر دانشجویان عزیز انجمن فقه و حقوق اسلامی، کارگاه علمی با موضوع «امور حسبی در حقوق ایران» با سخنرانی جناب آقای دکتر محمد صادقی به صورت مجازی برگزار کرد که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

۴. اردوی علمی بازدید از مجلس شورای اسلامی و کاخ گلستان

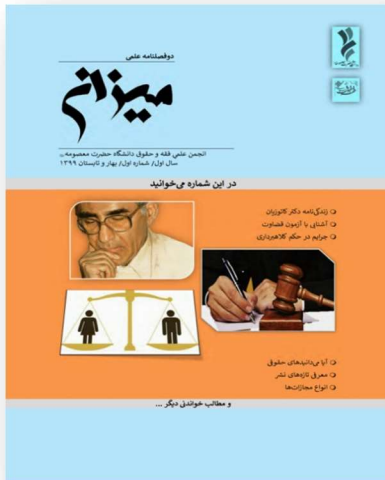
یکی از اهداف دانشجویان رشته فقه و حقوق اسلامی و نیز رشته حقوق، ورود و فعالیت در مجلس شورای اسلامی است؛ از این رو انجمن فقه و حقوق دانشگاه حضرت معصومه^{علیها السلام} تصمیم گرفت به منظور آشنایی دانشجویان با مکان مجلس، اردوی علمی بازدید از مجلس و کاخ گلستان را در فهرست برنامه‌های خود قرار دهد. از تاریخ ۱۴ الی ۲۰ آذر ۱۳۹۸ علاقه‌مندان برای شرکت در این اردو ثبت‌نام کردند و سرانجام در روز سه‌شنبه ۱۳۹۸/۱۰/۳ از مجلس شورای اسلامی، کاخ گلستان و موزه‌های فرهنگی و هنری بازدید به عمل آمد و روزی خاطره‌انگیز برای دانشجویان محترم ثبت شد.





۵. تدوین و انتشار شماره دوم نشریه علمی میزان

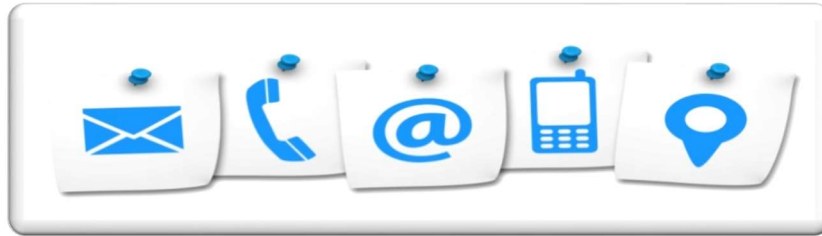
پس از انتشار شماره نخست مجله و اطلاع‌رسانی‌های کامل، بازخورد و استقبال بسیار مناسبی از مجله صورت گرفت، نظرات دقیق و مفیدی ارائه شد و افراد زیادی برای فعالیت در مجله اعلام آمادگی کردند. این امر مایه دلگرمی ما بود و سبب شد شماره دوم مجله را با انگیزه بیشتری تدوین کنیم.



شماره ۲ نشریه علمی میزان با مدیرمسئولی جناب آقای دکتر محمد صادقی و با سردبیری خانم زهرا مؤمنی، با همراهی انجمن فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام و تلاش هیئت تحریریه، تدوین و در پاییز و زمستان ۱۳۹۹ منتشر گردید.

در پایان گزارش این شماره گفتنی است انجمن فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام همواره تلاش دارد سبب پیشرفت‌های علمی شما عزیزان باشد؛ بنابراین می‌کوشد کارگاه‌های تخصصی و برنامه‌های علمی دیگری نیز در فهرست برنامه‌های خود قرار دهد و نیز شماره‌های بعدی نشریه علمی میزان را منتشر کند تا شاید گامی در جهت رفع نیازهای جامعه علمی برداشته شود.





راه‌های ارتباطی



رایانامه: mizan.276@yahoo.com



صفحه اینستاگرام: [hmu-islamiclaw](https://www.instagram.com/hmu-islamiclaw)



کانال تلگرام: [@feghhhoghogh](https://www.t.me/feghhhoghogh)

به منظور ارتباط حضوری،
به دفتر انجمن‌ها واقع در طبقه دوم دانشکده علوم انسانی مراجعه کنید.

